

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

## نگارش (۲)

شاخه نظری - کلیه رشته ها

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه



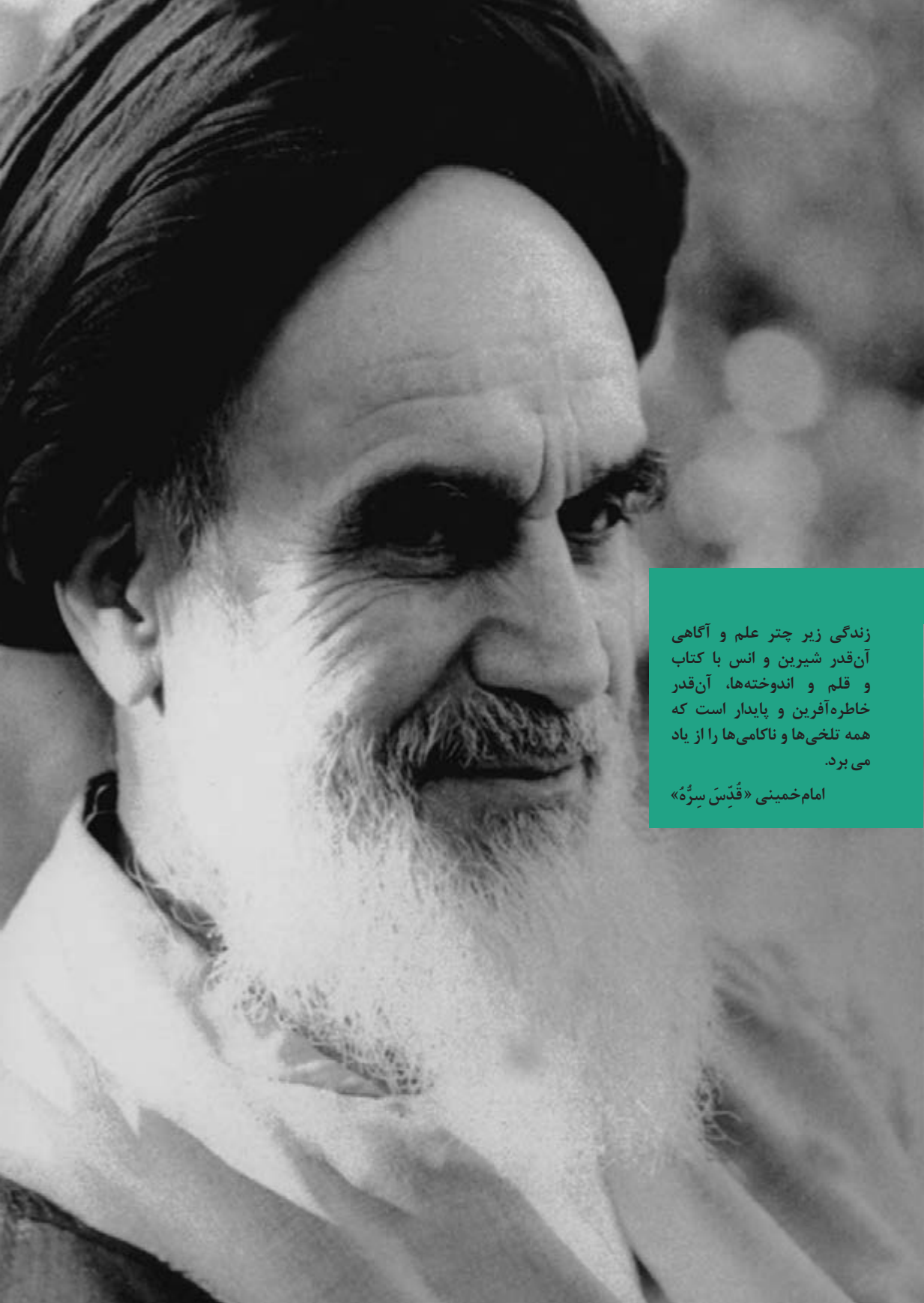


## وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب:** نگارش (۲) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۰۲
- پدیدآورنده:** سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:** دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:** محی‌الدین بهرام محمّدیان، عباسعلی وفائی، حسین قاسم‌پورمقدم، سهیلا صلاحی مقدم، مریم عاملی رضائی، محمدرضا سنگری، غلامرضا عمرانی، مریم دانشگر، شهناز عبادتی، شهین نعمت‌زاده، علی شیوا، ملاحت نجفی‌عرب، نادر یوسفی و محمد نوریان (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
- مدیریت آماده‌سازی هنری:** معصومه نجفی‌بازکی، حسین قاسم‌پورمقدم، رضا مرادحرائی، فریدون اکبری شلدره، حجت کجانی حصارى و مرجان سجودی (اعضای گروه تألیف) - داریوش گودرزی (ویراستار)
- شناسه افزوده آماده‌سازی:** اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- نشانی سازمان:** احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری، طراح جلد و صفحه‌آرا) - سیده فاطمه محسنی، شاداب ارشادی، پری ایلیخانی‌زاده، فاطمه پزشکی و راحله زادفتح‌اله (امور آماده‌سازی)
- ناشر:** تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)  
تلفن: ۸۸۲۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹  
وبگاه: [www.irtextbook.ir](http://www.irtextbook.ir) و [www.chap.sch.ir](http://www.chap.sch.ir)
- چاپخانه:** شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران - تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- سال انتشار و نوبت چاپ:** شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»  
چاپ هشتم ۱۴۰۳

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۷۷۰-۲

ISBN: 978-964-05-2770-2



زندگی زیر چتر علم و آگاهی  
آن قدر شیرین و انس با کتاب  
و قلم و اندوخته‌ها، آن قدر  
خاطره‌آفرین و پایدار است که  
همه تلخی‌ها و ناکامی‌ها را از یاد  
می‌برد.

امام خمینی «قُدَسَ سِرَّةً»

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

# فهرست

۶	پیشگفتار
۱۱	ستایش
۱۴	۱ درس اوّل: اجزای نوشته: ساختار و محتوا
۲۹	کارگاه نوشتن
۳۲	مَثَل نویسی
۳۶	۲ درس دوم: گسترش محتوا (۱): زمان و مکان
۴۸	کارگاه نوشتن
۵۱	شعرگردانی
۵۴	۳ درس سوم: گسترش محتوا (۲): شخصیت
۶۴	کارگاه نوشتن
۶۸	حکایت نگاری
۷۲	۴ درس چهارم: گسترش محتوا (۳): گفت و گو
۸۱	کارگاه نوشتن
۸۳	مَثَل نویسی
۸۶	۵ درس پنجم: سفرنامه
۱۰۰	کارگاه نوشتن
۱۰۳	شعرگردانی
۱۰۶	۶ درس ششم: کاهش محتوا: خلاصه نویسی
۱۲۰	کارگاه نوشتن
۱۲۳	حکایت نگاری
۱۲۴	نیایش
۱۲۵	کتابنامه

زبان فارسی یکی از چند زبان فاخری است که از گذشته‌های دور، آثار مکتوب ارزشمندی از آن بر جای مانده است. این زبان که دربردارندهٔ ارزش‌های والای انسانی است، قرن‌های متوالی، زبان رسمی و فرهنگی بخش وسیعی از جهان، از آسیای صغیر و بین‌النهرین، تا تمام شبه‌قارهٔ هندوستان بوده است. نه تنها ایرانیان که بسیاری از غیرایرانیان، این زبان را فراگرفته و بدان شعر سروده و کتاب نوشته‌اند. زبان فارسی، حافظ وحدت اقوام ایرانی و به تعبیر دقیق و زیبای مقام معظم رهبری، «رمز هویت ملی ماست»؛ پس بر ماست که آن را گرامی بداریم، خوب بشناسیم و خوب بشناسانیم.

در جهان امروز، نوشتن یکی از مهارت‌های بهتر زیستن است؛ چراکه توانایی بیان مقصود در قالب نوشته، نیاز اولیهٔ زندگی اجتماعی و مؤثرترین راه ارتباطی در فضای رسانه‌های نوپدید است. اگر زبان را دارای دو جنبهٔ گفتاری و نوشتاری بدانیم، معمولاً زبان نوشتاری نزد اکثر افراد مهم‌تر از زبان گفتاری است؛ زیرا نوشتار سنجیده‌تر از گفتار است و هنگام نوشتن امکان تفکر، سنجش و تجدیدنظر وجود دارد. از طرف دیگر، آثار معتبر ادبی و متون مذهبی و میراث فرهنگی از طریق نوشتار در دسترس جامعه قرار می‌گیرد. هر کتاب، درحقیقت، تجربه‌ای از نوشتن را به همراه دارد. خواندن دقیق کتاب‌های مناسب، می‌تواند سرمشق درست‌اندیشی و آسان‌نویسی باشد. کتاب‌خوانی، یکی از شیوه‌های مناسب برای رشد اندیشه و افزودن بر توانایی‌های ذهن و زبان است. نویسنده نیز با خواندن، اندیشیدن و نوشتن، به آفرینش نوباوهٔ فکری خود دست می‌یابد؛ به بیان دیگر نوشتن، فرزند خواندن است. هر چه بیشتر بخوانیم، توانایی‌های ذهن ما بیشتر نیرو می‌گیرد و کار نوشتن برای ما آسان‌تر می‌شود.

\*\*\*

کتاب حاضر شامل شش درس است و منطقِ رابطهٔ طولی درس‌ها به این گونه است که در درس اول اجزای نوشته مانند هر پدیدهٔ دیگر توصیف و تبیین می‌شود. اجزای نوشته شامل ساختار و محتواست و در این درس بحث ساختار ارائه شده است که در واقع مروری بر مطالب دورهٔ اول متوسطه است. طبیعی است که تولید محتوا بسیار مهم است؛ بنابراین آموزش آن از درس دوم آغاز می‌شود و تا درس آخر ادامه می‌یابد. برای آموزش تولید محتوا، ابتدا در درس دوم فضای نوشته به لحاظ زمان و مکان شکل می‌گیرد و گسترش می‌یابد؛ آنگاه در درس سوم، شخصیت‌ها در این فضا قرار می‌گیرند و توصیف می‌شوند و در درس چهارم توجه به عنصر گفت‌وگو بین شخصیت‌ها و چگونگی آن ارائه می‌شود و به این ترتیب محتوا به تدریج تکمیل می‌شود و گسترش می‌یابد. در درس پنجم با ارائهٔ قالب سفرنامه از هر سه عنصر فضای نوشته، شخصیت و گفت‌وگو استفاده می‌شود و بدین سان دانش‌آموزان به صورت کاربردی با آنها مواجه می‌شوند. از درس اول تا پنجم گسترش نوشته آموزش داده می‌شود؛ اما درس آخر مسیر عکس را طی می‌کند؛ به بیان دیگر متن گسترش یافته، خلاصه می‌شود. چون این دو فرایند، عکس یکدیگرند، در عمیق‌تر شدن فهم و تقویت مهارت دانش‌آموزان مکمل یکدیگر خواهند بود.

هدف کتاب نگارش، آموزش مهارت نوشتن است. این مهم طی فرایندی انجام می‌شود که سه مرحله دارد و متناسب با موضوع هر درس است و به نوعی روشمند حلقهٔ اتصال درس‌ها خواهد بود. این مراحل خود شامل شش گام می‌شوند.

## مراحل نوشتن:

الف) پیش از نوشتن

۱. انتخاب موضوع
۲. تجسم و بارش فکری
۳. سازماندهی و طرح اولیه نوشته

ب) نوشتن

۴. پیش‌نویس

پ) پس از نوشتن

۵. بازبینی و گسترش نوشته

۶. نوشتن نهایی و پاک‌نویس

مرحله «پیش از نوشتن»، فرصتی برای هم‌اندیشی، بارش فکری و توانایی تشخیص آموخته‌ها در نمونه‌های ارائه شده است. گفت‌وگو درباره موضوع، تبادل اطلاعات، طراحی نقشه ذهنی و... همه در این مرحله انجام می‌گیرد. مرحله «نوشتن»، زمان تولید نوشته است. هر کس به سراغ دفتر و قلم خود می‌رود و با توجه به خوانده‌ها و اندوخته‌های پیشین و نقشه ذهنی طراحی شده، نوشتن را آغاز می‌کند. مرحله «پس از نوشتن»، هنگام بازبینی و ویرایش است. این کار می‌تواند با مشارکت گروهی و همفکری انجام گیرد. در متن درس‌ها پس از هر مرحله، فعالیت طراحی شده است؛ به بیان دیگر نوشته دانش‌آموز در فرایندی تدریجی، تکوین می‌یابد و با طی کردن گام‌های شش‌گانه، در پایان درس آماده می‌شود. بدیهی است در نهایت با استفاده از جدول سنج‌ها، نوشته‌های دانش‌آموزان نقد و بررسی خواهد شد. در هر درس، بعد از متن آموزشی و تمرین، کارگاه نوشتن در



بخش‌های «تشخیص»، «تولید متن»، «ارزیابی»، «حکایت‌نگاری»، «مَثَل‌نویسی» و «شعرگردانی» سازماندهی شده است.

فعالیت‌های «کارگاه نوشتن» با نظامی علمی و آموزشی به دنبال هم آمده‌اند؛ تمرین یک با هدف تقویت توانایی بازشناسی و تشخیص، تمرین دو با هدف تقویت توانایی نوشتن و تولید متن و تمرین سه با هدف تقویت داوری و توانایی بررسی، تحلیل و نقدنویسی طراحی شده است.

«حکایت‌نگاری» بخشی دیگر از فعالیت‌هاست. در حکایت‌نگاری، تأکید بر بازنویسی به زبان ساده و ساده‌نویسی است. «مَثَل‌نویسی» تمرینی برای بازآفرینی و گسترش مثل است. در مثل‌نویسی، دانش‌آموزان با افزودن شاخ و برگ به اصل مثل، نوشته جدیدی را خلق می‌کنند. «شعرگردانی» از دیگر فعالیت‌های نگارشی است که به تحکیم آموزه‌های ادبی و تقویت توانایی بازگردانی مفاهیم بلند ادبی به نثر معیار فارسی کمک می‌کند. حکایت، مثل و شعر در بارورسازی ذهن و زبان و پرورش حافظه و تقویت خوب سخن گفتن و زیبا نوشتن، بسیار مؤثر است.

با توجه به زمان اختصاص یافته، میزان تقریبی ساعت آموزشی مؤثر، حدود ۲۴ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای در سال است؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود فرایند یاددهی - یادگیری هر درس در چهار جلسه (آموزش، تولید و نقد) طراحی و تنظیم شود. یکی از ویژگی‌های این کتاب در بخش تدوین، گزینش و سازماندهی محتوا، آوردن نمونه‌هایی از نویسندگان ایران و جهان است. این کار، افزون بر آشنایی خوانندگان با نویسندگان و آثارشان، آنها را به طور عملی با شیوه‌های گوناگون نوشتن نیز آشنا می‌سازد. باید خاطر نشان ساخت که نمونه متن‌هایی که بی‌نشان هستند، از قلم مؤلفان این کتاب تراویده‌اند.

از دید برنامه‌درسی، این کتاب ادامه‌ منطقی آموزه‌های دوره‌اول متوسطه و مبتنی بر همان رویکرد، اهداف و اصول است؛ بنابراین مطالعه کتاب‌های نگارش پایه‌های قبل برای دبیران محترم ضروری است.

در آموزش محتوای این کتاب، تأکید بر بهره‌گیری از روش‌های فعالانه و تقویت روحیه مشارکت‌پذیری دانش‌آموزان است. گفت‌وگو، هم‌افزایی، بازاندیشی، کتاب‌خوانی، رایزنی، بازسازی و بازپروری فکر، از بهترین شیوه‌ها برای رسیدن به اهداف کتاب نگارش است. به کارگیری روش‌هایی چون: روشن‌سازی طرز تلقی، بارش فکری، حل مسئله و قضاوت عملکرد، در آموزش مفاهیم این کتاب، اثربخش و کارا خواهد بود.

به‌منظور تسهیل، تحکیم و غنی‌سازی آموزش و یادگیری در ابتدای هر درس رمزینه‌های سریع‌پاسخ گنجانده شده است که دانش‌آموزان با اسکن کردن رمزینه‌ها از محتوای آموزشی آن بهره‌مند می‌شوند.

درباره ارزشیابی این کتاب باید یادآور شویم که رویکرد برنامه و محتوای کتاب، «مهارتی» است؛ یعنی برای کسب مهارت نوشتن، ضروری است در فرایند آموزش زایش و بارش فکری، سازماندهی ذهنی، تولید، تمرین و تکرار طی شود. بدین سبب این درس، کاملاً ورزیدنی و عملی است و در ارزشیابی از آن، جایی برای طرح پرسش‌های دانشی و حفظ‌کردنی نیست. یکی از اصلی‌ترین دلایل کم بودن حجم و تعداد درس‌ها نیز همین است؛ کمتر حرف بزنیم و بیشتر به نوشتن، فرصت بدهیم.

**گروه زبان و ادب فارسی**

**دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری**

## ستایش

الهی، به حقّ خودت، حضورم ده و از جمال آفتاب آفرینت، نورم ده!  
الهی، چگونه خاموش باشم که دل، در جوش و خروش است و چگونه  
سخن گویم که خرد، مدهوش و بیهوش است.  
الهی، راز دل را نهفتن دشوار است و گفتن دشوارتر.  
الهی، داغ دل را نه زبان تواند تقریر کند و نه قلم یارد به تحریر رساند؛  
الحمدلله که دلدار به ناگفته و نانوشته آگاه است.  
الهی، ما همه بیچاره‌ایم و تنها تو چاره‌ای، و ما همه هیچ کاره‌ایم و تنها  
تو کاره‌ای.  
الهی، از پای تا فرقم، در نور تو غرقم. «یا نور السموات و الأرض، أَنْعَمْتَ  
فَرْدٌ»  
الهی، چون تو حاضری چه جویم و چون تو ناظری چه گویم؟  
الهی، از من آهی و از تو نگاهی.

حسین زاده آملی



اجزای نوشته





## درس اول

# اجزای نوشته: ساختار و محتوا

«بیابان یا نام زیباتر آن که در گوش، خوش آوا و در دل، تأثیرگذار است: کویر؛ با پهنه‌های وسیعی که هیچ ساختمانی وسعت آن را محدود نمی‌سازد و آسمانی که تا چشم کار می‌کند عمیق است و پرستاره.»

کویر، با سکوت عمیق و بی‌هیاهو با دشت‌های وسیع و نامحدود و با مرگ رنگ. کویر ندایی است که به خود می‌خواند به عمق و به جان. آدمی را از سطح که پرفریب و بس خالی است به عمق که جان‌بخش و بی‌ریاست می‌برد. روز و شب کویر، جمع ضدیت‌اند؛ روزهای کویر آتش خیز و شب‌هایش ستاره‌ریز است. آفتاب کویر می‌سوزاند و مهتاب آن، جان به تنگنا آمده را با آسمان صمیمیت و صداقت پیوند می‌زند. کویر در پس چهره خشک و خشن خویش، آبی به زلالی شب‌نم پنهان دارد. کویر آرام و بی‌ادعاست. از دل قنات و کاریز آن زندگی می‌جوشد، بی‌آنکه ادعایی داشته باشد. کویر فروتن است و در افتادگی خویش چه یادگارهای جاوید و چه رازهای سربه‌مهر که پنهان ندارد! از عمق و اعجاز و زیبایی کویر هر چه گفته آید، باز هم گویای آنچه هست، نخواهد بود.»

♦ کویر، دکتر شریعتی

\*\*\*

در نوشته‌ای که خواندید، نویسنده با بهره‌گیری از حواس و تخیل، کویر را توصیف کرده و باروش‌هایی مانند «مقایسه» و «جان‌شین‌سازی»، نوشته را پرورش داده است. شما در سال‌های پیش با این روش‌ها آشنا شده‌اید. نوشته، مانند هر پدیده‌ای، اجزایی دارد. هر نوشته از دو بخش ساختار و محتوا تشکیل می‌شود. ساختار نیز بر دو گونه است: بیرونی و درونی.

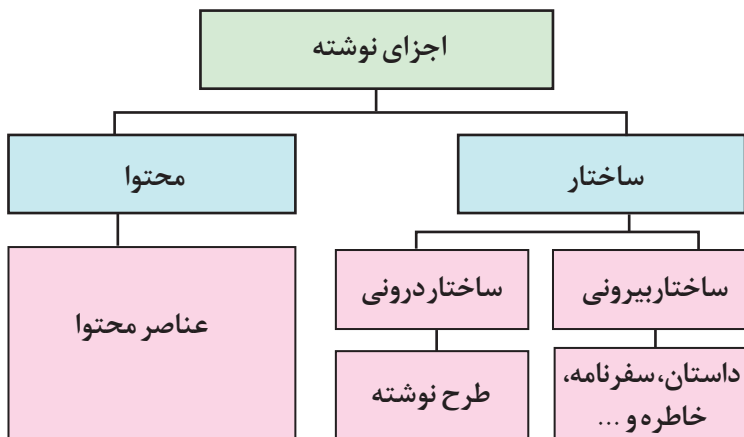
### ساختار بیرونی نوشته

شکل کلی اثر، ساختار بیرونی آن را تشکیل می‌دهد. معمار در ساخت بنا پیش از آنکه شروع به ساختن کند، شکل کلی و بیرونی بنا را مشخص می‌کند؛ مانند آپارتمان، خانه و ویلایی و... نویسنده نیز ممکن است برای نوشتن درباره موضوعی چون «لبخند»، داستانک را انتخاب کند و در چند سطر، موضوع خود را بپرورد و یا موضوعی مانند «خوشبختی» را به شکل داستانی بلند پدید آورد.

### ساختار درونی نوشته

برای ساخت بنا، پس از انتخاب شکل کلی، طراحی قسمت‌های داخلی آن مانند تعداد طبقات، اندازه اتاق‌ها و دیگر قسمت‌ها، مشخص می‌شود. نویسنده نیز پس از انتخاب شکل کلی اثر، به سازماندهی و چینش مطالب می‌پردازد. به بیان دیگر طرح نوشته، ساختار درونی آن را مشخص می‌کند.

در سال‌های پیش آموختید که طرح نوشته از سه بخش آغازین (مقدمه)، میانی (بدنه) و پایانی (جمع‌بندی) تشکیل می‌شود. نویسنده در بخش آغازین، اطلاعات کلی درباره موضوع نوشته را به خواننده منتقل می‌کند. این بخش معمولاً در حد یک بند نوشته می‌شود. در بندهای میانی (بدنه)، ریزموضوع‌هایی که مستقیماً با موضوع اصلی در ارتباط است، گسترش می‌یابد و در بند پایانی یا بند جمع‌بندی، نویسنده حاصل کلام خود را در عبارتی اثرگذار، یک بیت شعر یا حتی یک سؤال تفکربرانگیز، مطرح می‌کند. یکی از نکاتی که در طراحی ساختار درونی نوشته، اهمیت خاصی دارد، انسجام متن است. انسجام متن، از طریق مشخص بودن خط فکری نوشته، رعایت اولویت‌بندی مطالب و ارتباط منطقی بندها ایجاد می‌شود.

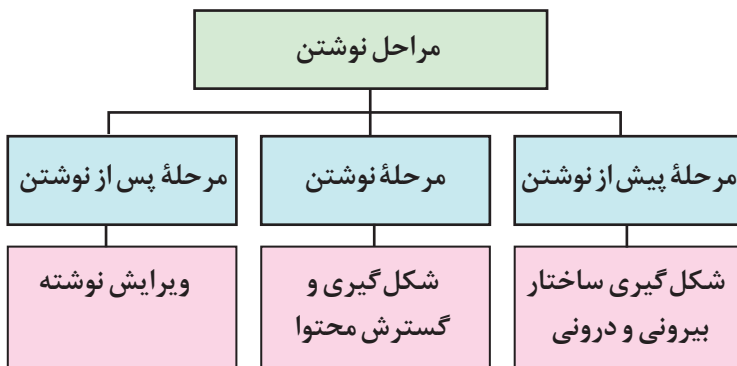


■ مراحل نوشتن به سه مرحله پیش از نوشتن، نوشتن و پس از نوشتن تقسیم می شود.

■ در مرحله پیش از نوشتن، ساختار بیرونی و درونی نوشته مشخص می شود.

■ در مرحله نوشتن، محتوای نوشته شکل می گیرد. سال گذشته روش های شکل گیری محتوا را آموختید (مانند روش مقایسه)؛ در درس های بعد نیز چگونگی گسترش محتوا آموزش داده می شود.

■ در مرحله پس از نوشتن، نوشته ویرایش می شود.



در ادامه می خواهیم با طی کردن مراحل نوشتن، با هم بنویسیم.



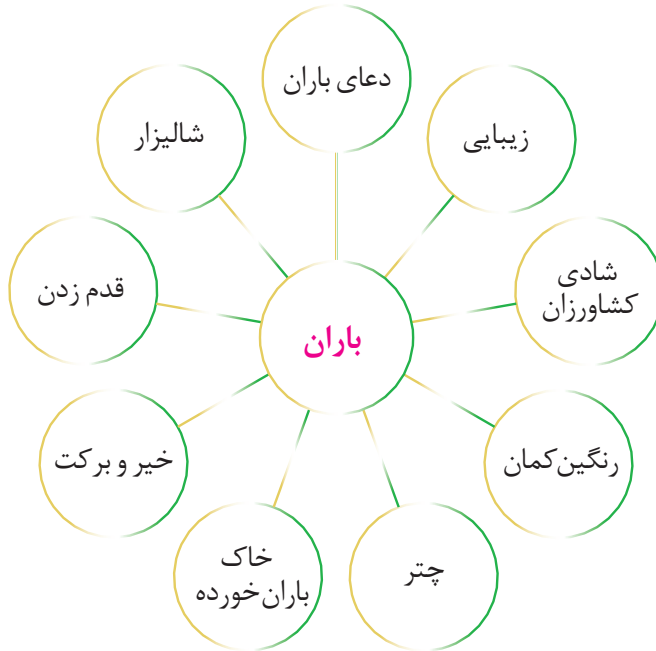
## مرحله پیش از نوشتن

### ۱. انتخاب موضوع:

در این مرحله، ابتدا از میان موضوعاتی که به ذهن ما می‌رسد، موضوعی را که نسبت به آن دانش، آگاهی و دلبستگی بیشتری داریم، انتخاب می‌کنیم. برای نمونه موضوع «باران» را برمی‌گزینیم.

### ۲. انتخاب واژه‌های مرتبط با موضوع:

با توجه به موضوع انتخابی و با بهره‌گیری از روش بارش فکری، واژه‌های کلیدی مرتبط با آن را می‌نویسیم.



### ۳. سازماندهی طرح نوشته:

اکنون براساس روابط معنایی، واژه‌هایی را که از طریق بارش فکری تولید شده‌اند، دسته‌بندی می‌کنیم. نمونه صفحه بعد گونه‌ای از دسته‌بندی واژه‌ها بر اساس روابط معنایی است.

■ **گروه اول:** واژه‌های مربوط به توصیف لحظات بارش باران مانند: خاک باران خورده،

زیبایی، شالیزار

■ **گروه دوم:** واژه‌های مربوط به برکت باران مانند: شادی کشاورزان، دعای باران،

خیر و برکت

■ **گروه سوم:** واژه‌های مربوط به زنده شدن خاطرات مانند: قدم زدن، کودکی،

چتر، رنگین کمان

برای سازماندهی طرح نوشته به شکل زیر عمل می‌کنیم:

بند آغازین: در این بند با نگاهی کلی به موضوع باران، آغازی جذاب پدید می‌آوریم.

بندهای میانی: چینش بندهای میانی را با بهره‌گیری از دسته‌بندی انجام شده

بر اساس روابط معنایی واژه‌ها، شکل می‌دهیم. بند اول را به توصیف لحظات

بارش باران، بند دوم را به خیر و برکت باران و بند سوم را به زنده شدن خاطرات

اختصاص می‌دهیم.

بند پایانی: در این بند، حاصل کلام را درباره باران می‌نویسیم و پایانی تأثیرگذار

خلق می‌کنیم.



## طرح نوشته

باران

عنوان نوشته

آغازی جذاب با نگاه کلی به موضوع باران

بند آغازین

توصیف لحظات بارش باران

خیر و برکت باران

زنده شدن خاطرات

بندهای میانی

جمع بندی موضوع باران

بند پایانی

## مرحله نوشتن

در این مرحله، با بهره‌گیری از واژه‌ها و ترکیب‌های مرحله قبل، یک یا چند جمله مرتبط با موضوع می‌نویسیم.

- خدا دعای باران را می‌شنود و باران زیبا را می‌فرستد.
  - با ریزش قطرات باران، خیر و برکت باریدن می‌گیرد.
  - بوی خاک باران خورده و چمن تازه، در هوا پخش می‌شود.
  - دست و روی دشت شسته می‌شود و زیبایی‌های آن دوچندان می‌گردد.
  - کشاورزان سرود شادی می‌خوانند.
  - کودکان زیر باران به رقص و پایکوبی مشغول می‌شوند.
  - کشتزار، شالیزار و چمنزار جان می‌گیرند.
  - چشم‌ها به رنگین کمان دوخته می‌شود.
  - چترهای رنگی باز می‌شود.
  - دست‌ها به سوی آسمان بلند می‌شود.
  - همه، صاحب باران را شکر می‌گویند.
- سپس با توجه به ساختار درونی نوشته، جملات بالا را سازماندهی می‌کنیم.

## وقتی باران می بارد...

بند آغازین

دل‌ها گرفته است. شالیزار مدّت‌هاست رنگ باران به خود ندیده. کشاورزان دستِ دعا به سوی آسمان بلند می‌کنند. نسیم نرم و سبک دعای باران را از دست‌های آنان به آسمان می‌برد، خداوند دعا را می‌شنود و مهربانانه، باران زیبا را به سویشان روانه می‌کند. بوی خاکِ باران خورده و چمن تازه در هوا پخش می‌شود. دست و روی دشت شسته می‌شود و زیبایی‌های آن دوچندان می‌گردد. باران می‌آید و خیر و برکت را با خود می‌آورد. کشاورزان سرود شادی می‌خواندند و کودکان زیر باران به رقص و پایکوبی مشغول می‌شوند. پرندگان شادمانه می‌خوانند و شالیزارها جانی دوباره می‌گیرند. باران، شادمانه دست آدم‌ها را می‌گیرد و آنها را به دوران کودکی می‌برد. آنها چشمانشان را می‌بندند و برای دقایقی به دوران خوش کودکی باز می‌گردند و زمزمه می‌کنند: «باز باران، با ترانه با گهرهای فراوان...»

بندهای میانی

چشم‌ها از فرود باران که زیباترین آغاز است به رنگین‌کمان دوخته می‌شود و همه، صاحبِ باران را شکر می‌گویند و با شادی فریاد می‌زنند: ای خدای مهربان! هرگز ما را تنها نگذار.

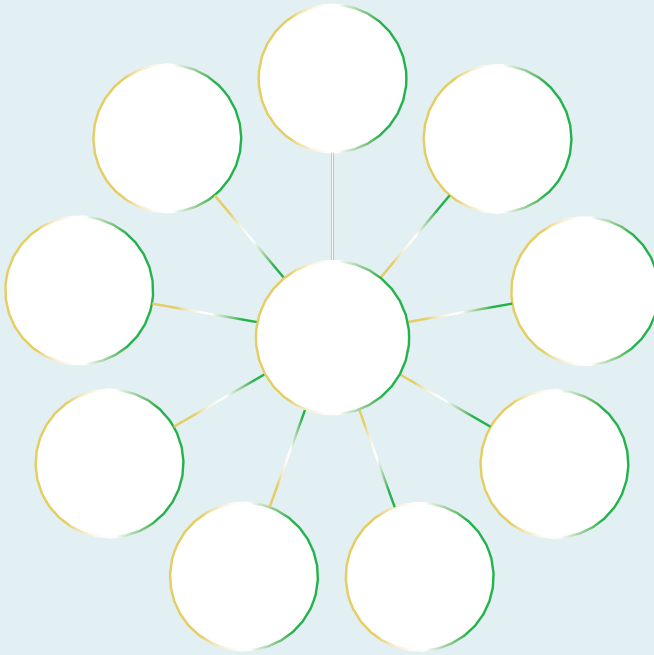
بند پایانی

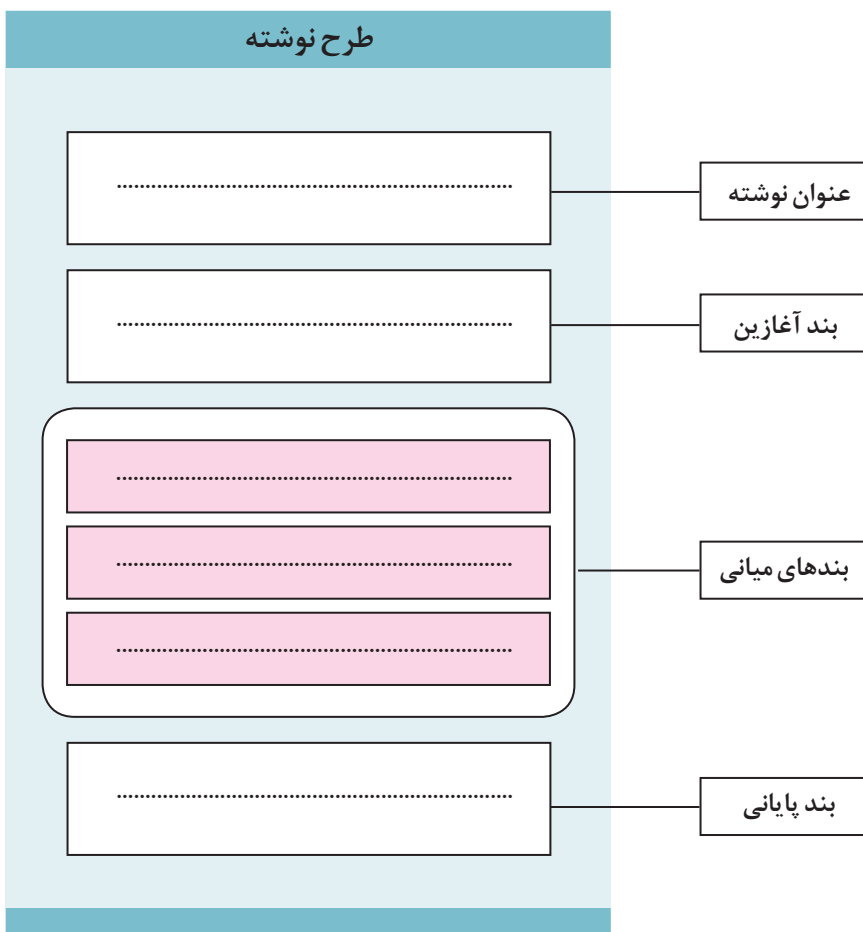
## فعالیت (۱)

موضوعی را انتخاب کنید و با روش بارش فکری طرح نوشته خود را مشخص کنید.

انتخاب موضوع

بارش فکری





**نکته:** با توجه به موضوع نوشته و میزان گستردگی مطلب، تعداد بندهای میانی می‌تواند متفاوت باشد.





Handwriting practice sheet with a light blue background and a solid teal header and footer. The page contains 20 horizontal dotted lines for writing practice.

## مرحلهٔ پس از نوشتن

در این مرحله برای بازبینی، اصلاح و ویرایش نوشته، به موارد زیر توجه می‌کنیم:

- نکاتی را که از نظر منطقی با سایر قسمت‌ها هماهنگی ندارد، حذف می‌کنیم.
  - در صورت لزوم، تغییراتی در طرح نوشته ایجاد می‌کنیم، ترتیب بندها را جابه‌جا می‌کنیم و براساس یافته‌های تازه، صحنه‌های تازه می‌آفرینیم.
  - مواردی را که ابهام دارد و موجب بدفهمی می‌گردد، اصلاح می‌کنیم و در صورت نیاز برخی قسمت‌های نامفهوم را گسترش می‌دهیم.
  - واژه‌ها و جمله‌های اضافه را حذف می‌کنیم.
  - در صورت استفاده از آرایه‌های ادبی، شیوهٔ کاربرد آن را در نوشته، مورد توجه قرار می‌دهیم.
  - نوشته را از نظر نشانه‌های نگارشی بررسی و در صورت نیاز آن را اصلاح می‌کنیم.
  - به املای درست واژه‌ها توجه می‌کنیم.
  - در پایان، نوشته را یک بار با صدای بلند می‌خوانیم.
- اکنون با توجه به نکات یاد شده، نوشتهٔ قبلی را ویرایش می‌کنیم.



## وقتی باران می بارد

### بند آغازین

دل‌ها گرفته است. شالیزار مدت‌هاست رنگ باران به خود ندیده است. کشاورزان شانه به شانه یکدیگر دست دعا به سوی آسمان برمی‌آورند.

### بندهای میانی

نسیم، نرم و سبک، دعای باران را از دست‌های آنان به آسمان می‌برد، خداوند دعا را می‌شنود و مهربانانه، باران زیبا را به سویشان روانه می‌کند. بوی خاک باران خورده و چمن تازه در هوا پخش می‌شود. دست و روی دشت شسته می‌شود و زیبایی‌های آن دوچندان می‌گردد.

باران می‌بارد و خیر و برکت باریدن می‌گیرد. کشاورزان نوای شادی سرمی‌دهند و کودکان زیر باران به رقص و پایکوبی مشغول می‌شوند. شالیزار جانی دوباره می‌گیرد و پرندگان، شادمانه آواز می‌خوانند. باران، صمیمانه دست آدم‌ها را می‌گیرد و آنها را به دوران کودکی می‌برد. همه چشمانشان را می‌بندند و برای لحظاتی به دوران خوش کودکی باز می‌گردند و زمزمه می‌کنند: «باز باران، با ترانه با گهرهای فراوان...»

### بند پایانی

نگاه‌ها از ریزش باران که زیباترین آغاز است، اوج می‌گیرد و به رنگین‌کمان دوخته می‌شود. آنان صاحب باران را شکر می‌گویند و با شادی فریاد می‌زنند: «ای خدای مهربان! هرگز ما را تنها نگذار.»

## فعالیت (۳)

نوشته خود را ویرایش کنید.



اینک نوشته‌هایتان را بخوانید یا در اختیار دوستانتان قرار دهید تا با استفاده از معیارهای جدول زیر، آن را ارزیابی کنند.

ردیف	سنجه‌های ارزیابی	نمره
۱	انتخاب طرح نوشته مناسب	۶
۲	تولید محتوا با استفاده از روش‌های مناسب (سنجش و مقایسه، جانشین‌سازی و...)	۶
۳	انسجام متن	۳
۴	شیوه خواندن	۲
۵	رعایت املا و نکات نگارشی	۳
جمع		۲۰

## کارگاه نوشتن

تمرین (۱) | نوشته زیر را بخوانید و طرح اولیه آن را در متن مشخص کنید.

در فرهنگ‌های پیش از خط، یعنی روزگاری که آثار ادبی نوشته نمی‌شد، هر سنت ادبی به صورت شفاهی وجود داشت و سینه‌به‌سینه منتقل می‌گشت. در فرهنگی که با خط آشنا می‌شود، این سنت ادبی روایی می‌تواند به نشو و نمای خود ادامه بدهد، اما هنگامی که خط مهم‌ترین وسیله بیان می‌شود، حیات این سنت‌ها پایان می‌پذیرد.

سابقه نوشتن در ایران به سده ششم پیش از میلاد باز می‌گردد. نگارش اسناد دولتی، سیاسی و اقتصادی در کتیبه‌های ایران باستان از دیرباز معمول بوده است. اما توسعه نگارش آثار دینی و ادبی تا سده‌های نخستین مسیحیت، مورد بحث است. شواهد حکایت از آن دارد که تکامل ادبیات از صورت روایی و نقلی به صورت نوشتاری در بخش دوم از عصر ساسانیان صورت پذیرفته است. برای نمونه کتاب اوستا پس از سده‌ها انتقال سینه‌به‌سینه، سرانجام در دوره ساسانیان به رشته تحریر درآمد.

در کتیبه‌های فارسی باستان، هرگز نامی از اوستا برده نشده است. اما سنجش کتیبه‌های فارسی باستان و متن‌های اوستایی حکایت از آن دارد که از نظر شکل و مضمون میان این دو متن باستانی مشابهت و یکسانی وجود دارد. در هریک از این دو پیکره ادبی همانندی‌ها و نشانه‌هایی است که در کتیبه‌های فارسی باستان به صورت منشور و با آزادی عمل بیشتر و در متن‌های اوستایی به صورت منظوم و با ساختار و وزنی معین به کار رفته‌اند و احتمال آنکه این یکسانی‌ها و تناظرها تصادفی باشند، بسیار اندک است. تحولات خط، قرن‌ها ادامه یافت تا اینکه خط الفبایی رایج شد. امروزه حجم زیادی از اطلاعات به صورت نوشتاری انتقال می‌یابد. به بیان دیگر با تحول خط و میزان کاربرد آن، از گفتار به نوشتار رسیده‌ایم.





# مَثَلِ نویسی

مثل‌های زیر را بخوانید. سپس یکی را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید.

■ بار کج به منزل نمی‌رسد.

■ زبان خوش، مار را از سوراخ بیرون می‌آورد.

■ از کوزه همان برون تراود که در اوست.

■ از این گوش می‌گیرد، از آن گوش درمی‌کند.

موضوع:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

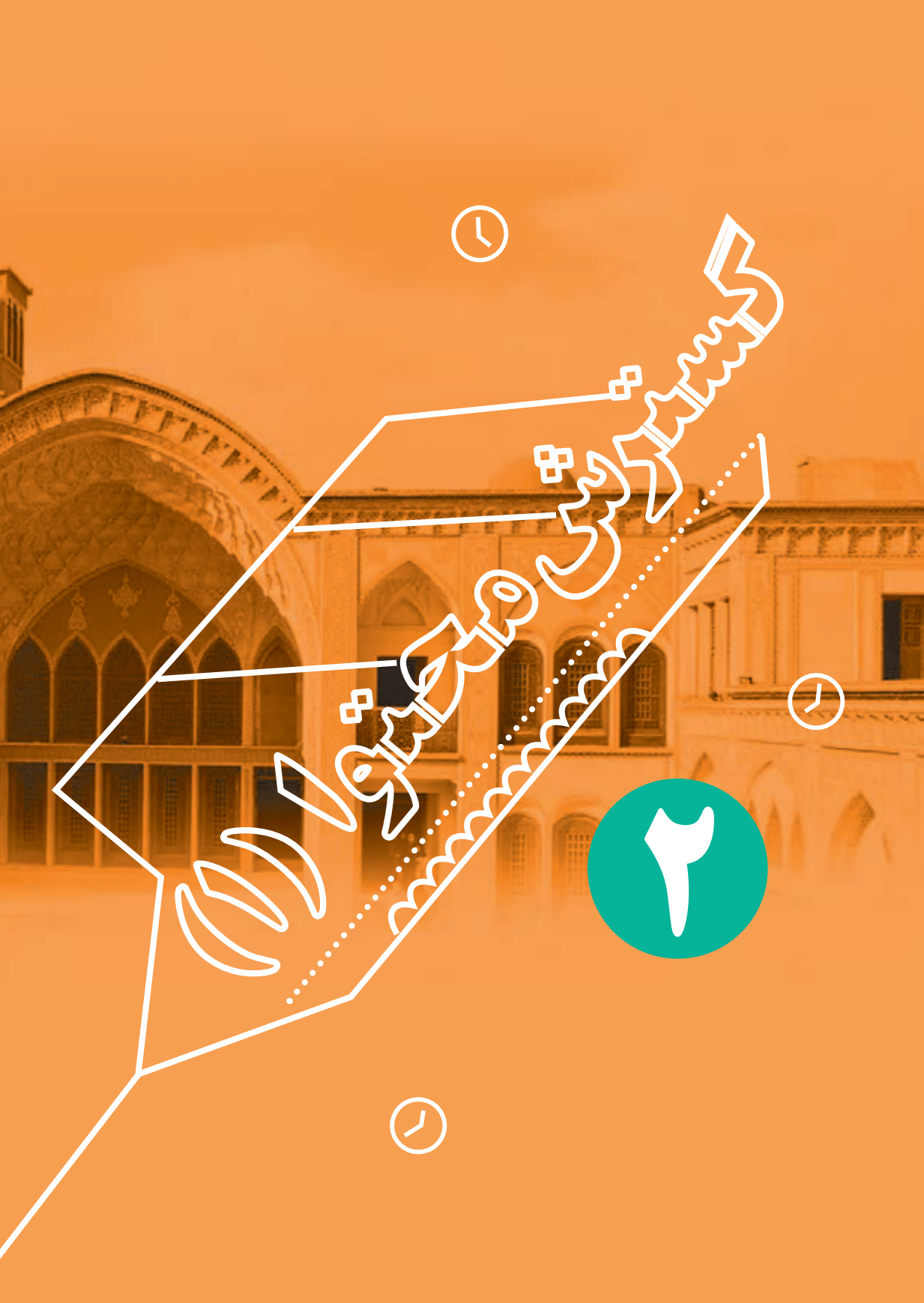
.....





A series of 18 horizontal dotted lines for writing, spaced evenly down the page.







# تعمیر و مرمت مجموعه مساجد



## گسترش محتوا (۱)

## زمان و مکان

«عید تازه از راه رسیده بود. مردم دیگر با سورت‌مه رفت و آمد نمی‌کردند. برف‌های دوروبر خانه‌های روستایی و جوی‌ها، آب شده و جاری شده بودند. دو دختر که همسایه هم بودند، آمده بودند کنار چاله پر از آب گل‌آلودی که بین کوچه تنگ دو حیاط درست شده بود و می‌خواستند با هم بازی کنند. یکی از دخترها کوچک‌تر از دیگری بود. هر دو بلوز نو پوشیده بودند. دختری که کوچک‌تر بود، بلوز سورمه‌ای پوشیده بود و آن‌که بزرگ‌تر بود، لباسش زرد رنگ بود. ولی هر دو روسری قرمز سرشان کرده بودند.

دخترها پس از آنکه عبادت ظهر تمام شده بود، زود آمده بودند کنار چاله پر آب و بعد شروع کرده بودند به بازی کردن. فکر کردند برای اینکه خوب بازی کنند، در آب‌های چاله راه بروند. دختر کوچک‌تر شروع کرد با کفش‌هایش در آب راه رفتن و شلپ‌شلپ کردن؛ اما دختر بزرگ‌تر نگهش داشت و گفت: «این جوری نه! مامان دعوا می‌کند. نگاه کن. من کفش‌هایم را در آوردم. تو هم کفش‌هایت را در بیاور.»

دخترها کفش‌هایشان را در آوردند و دامن‌هایشان را بالا زدند و شروع کردند از دو سوی چاله به طرف همدیگر رفتن. آب تا قوزک پای دختر رسیده بود...

❖ عید پاک، تولستوی

در نوشته‌ی صفحه‌ی قبل، نویسنده زمان و مکان خاصی را وصف کرده است؛ به گونه‌ای که با خواندن هر سطر آن، تصویری در ذهن خواننده ایجاد می‌شود و هر جمله، آن را کامل‌تر می‌کند. با خواندن این متن، تصویری از اواخر زمستان در کشوری سردسیر در روز عید در ذهن نقش می‌بندد و فضایی در کوچه‌های تنگ میان دو حیاط با گودال‌هایی پر از آب برف‌ها شکل می‌گیرد که کودکان در آن مشغول بازی هستند.

یکی از راه‌های گسترش محتوای نوشته، پرداختن به عناصر «زمان» و «مکان» است. موضوع بسیاری از نوشته‌ها در زمان و مکان مشخصی رخ می‌دهد و بیانگر فضا و حال و هوای خاصی است. شرح و توصیف فضا بسیار مهم است و متن را عینی‌تر و ملموس‌تر و خواننده را به محتوای نوشته نزدیک‌تر می‌کند؛ زیرا خواننده متن از طریق آن می‌تواند مطالب را در ذهنش بهتر مجسم کند. در نوشته وصف زمان و مکان وقوع ماجراها، بسیار ارزشمند است و در بسیاری از انواع نوشته، مانند داستان، سفرنامه، گزارش، نمایش‌نامه و مانند آن کاربرد دارد.

برای گسترش محتوا با استفاده از دو عنصر «زمان» و «مکان»، می‌توانیم مطابق با مراحل زیر عمل کنیم:

### مرحله اول: انتخاب موضوع

نخستین و مهم‌ترین کار نویسنده، انتخاب موضوعی خاص و مناسب برای نوشتن است. موضوع مناسب، خودبه‌خود ذهن را بازتر و متن را از نوشته‌های مشابه متمایز می‌کند. همان‌طور که در بسیاری از مراکز، صندوقی را برای جمع‌آوری نظرات قرار می‌دهند، ذهن ما هم برای نوشتن به یک صندوق نیاز دارد تا اگر به موضوع جالبی برای توصیف زمان و مکان یا حال و هوا دست یافتیم، در آن ذخیره‌اش کنیم. تماشای آیین‌های مذهبی — ملی، خاطرات و تجربیات سفر، دیدن تصاویر، به یاد آوردن خواب و رؤیا، مطالعه کتاب، دیدن صحنه‌هایی از نمایش یا فیلم، همگی می‌توانند منبعی برای موضوعات جذاب و متنوع باشد.

موضوع انتخابی ما، «مراسم گلاب‌گیران در قمصر» است.

## فعالیت (۱)

موضوع‌های پیشنهادی خود را بنویسید.

..... ●

..... ●

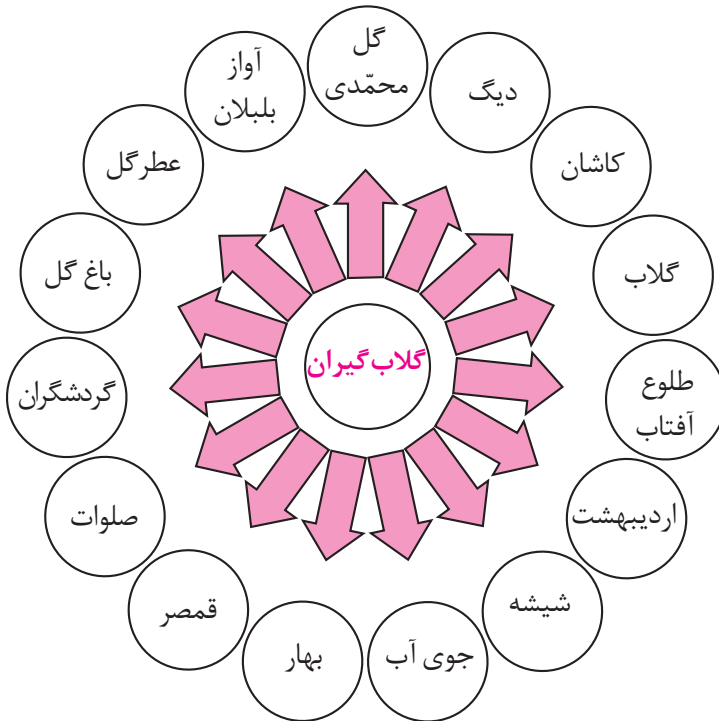
..... ●

..... ●

..... ●

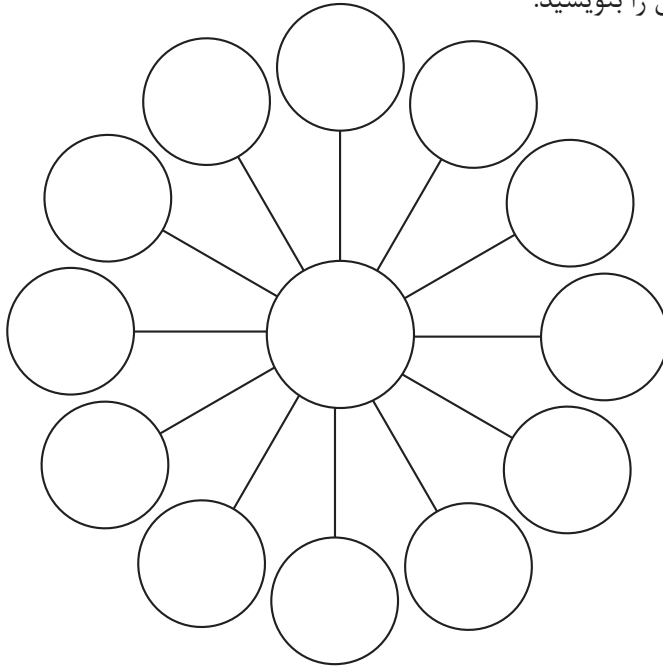
### مرحله دوم: تجسم و بارش فکری

پس از انتخاب موضوع، با بهره‌گیری از بارش فکری، اطلاعات و دانسته‌های خود را نسبت به موضوعی که انتخاب کرده‌ایم، بر روی کاغذ می‌آوریم. اکنون واژه‌های مرتبط با این موضوع را می‌نویسیم: «گلاب، باغ، گلاب‌گیری، گل محمدی، دیگ، قمصر کاشان، بهار، بطری‌های بزرگ و کوچک، صلوات، هیزم، اجاق، اسپند، آتش و...»



## فعالیت (۲)

درباره یکی از موضوعاتی که در مرحله قبل انتخاب کرده‌اید، فکر کنید و واژه‌های مرتبط با آن را بنویسید.



## مرحله سوم: سازماندهی و طرح اولیه

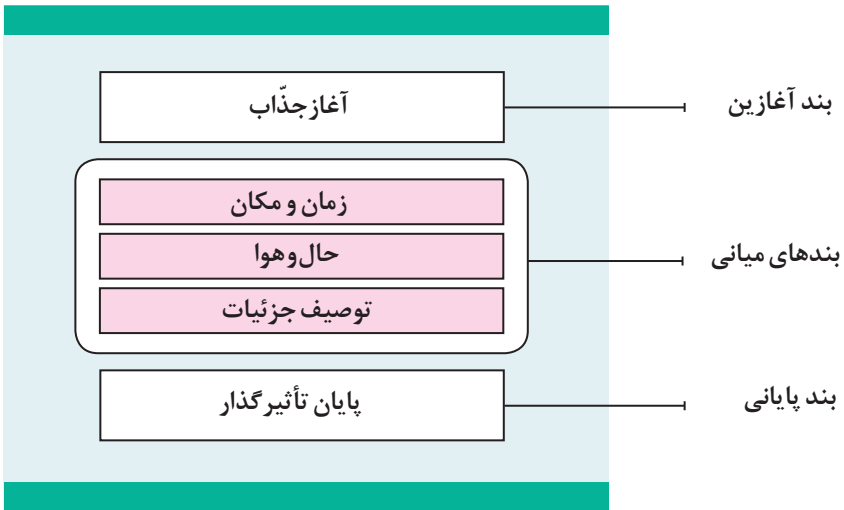
اکنون واژه‌هایی را که به ذهن ما رسیده است، با توجه به شباهت‌ها و روابط میان آنها، سازماندهی و دسته‌بندی می‌کنیم و براین اساس، طرح اولیه نوشته‌مان را مشخص می‌کنیم. برای نمونه، یکی از این دسته‌بندی‌ها می‌تواند قرار دادن واژه‌ها در سه گروه باشد:

- الف) واژه‌های مربوط به زمان و مکان
- ب) واژه‌های مربوط به فضای نوشته
- پ) واژه‌های مربوط به جزئیات نوشته

فضای نوشته	زمان و مکان
<ul style="list-style-type: none"> <li>● بطری‌های بزرگ و کوچک</li> <li>● دیگ</li> <li>● دوربین‌های فیلم برداری و عکاسی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● آواز بلبلان</li> <li>● دود اسفند</li> <li>● عطر گل</li> <li>● صلوات</li> <li>● گل محمدی</li> <li>● گردشگران</li> <li>● گلاب</li> </ul>
	<ul style="list-style-type: none"> <li>● بهار</li> <li>● اردیبهشت</li> <li>● طلوع آفتاب</li> <li>● قمصر و نیاسر کاشان</li> <li>● باغ گل</li> <li>● جوی آب</li> </ul>

پیش از آوردن بندهای میانی، بند آغازین را برای ورود به مطلب در نظر می‌گیریم. پس از آن، هر یک از گروه‌های بالا را که موضوع بندهای میانی است، پشت سرهم می‌آوریم. بخش میانی نوشته ما براساس سازماندهی فوق، سه بند دارد. قرار گرفتن بندها باید براساس ترتیبی مشخص شکل بگیرد. بهتر است روند ارائه مطالب و حرکت نوشته از کل به جزء باشد. براین اساس، مکان و زمان رخداد را در بند نخست می‌آوریم. بند دوم را می‌توانیم به حال و هوای نوشته اختصاص دهیم. در بند سوم نیز جزئیات را وصف می‌کنیم و به این شکل، ترتیب قرار گرفتن سه بند میانی مشخص می‌شود. سپس در پایان، مطالب را در یک بند جمع‌بندی می‌کنیم. جمع‌بندی می‌تواند حتی به صورت یک بیت شعر و یا یک سؤال باشد؛ مهم آن است که ذهن خواننده را با موضوع درگیر کند.





### فَعَالِیت (۳)

طرح اولیه نوشتۀ خود را تنظیم کنید و به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

■ الف) بخش میانی نوشته شما چند بند موضوعی دارد؟

■ ب) در هر بند، می‌خواهید درباره چه بنویسید؟

## مرحله چهارم: پیش‌نویس

### ۱. بند آغازین:

در شهر تاریخی کاشان، هر سال مراسم گلاب‌گیران برگزار می‌شود. نمونه‌ای از عظمت خداوند آن است که زیباترین گل‌های محمدی در کویر خشک کاشان می‌روید و خوش‌بوترین گلاب‌ها، در این شهر آماده می‌شود.

### ۲. بندهای میانی:

#### ■ زمان و مکان

کاشان شهری در استان اصفهان است که میان کوه‌های کرکس و در کویر مرکزی ایران قرار گرفته و آب‌وهوایی گرم و خشک بیابانی دارد. گردشگران در اواسط اردیبهشت برای دیدن مراسم گلاب‌گیری به قمصر و نیاسر سفر می‌کنند. این دو شهر پر از باغ‌های گل محمدی و جویبارهای فراوان است. بهترین زمان برای حضور در مراسم گلاب‌گیری قمصر ساعات اولیه روز است؛ یعنی زمانی که هنوز آفتاب کاملاً گرم نشده است. گل‌هایی که در ساعات پیش از طلوع چیده شده‌اند، تازه‌ترند و طبیعتاً گلاب بهتری از آنها به دست می‌آید.

#### ■ حال و هوا

با طلوع خورشید، عطر گل محمدی همه را مدهوش می‌کند و بلبلان را به آواز وامی‌دارد. کارگران، سرخوش از عطر گل‌ها و گردشگران حیرت‌زده از این همه زیبایی در کنار صدای بلبلان و بوی گل‌ها، به تماشای نشینند. دیگ‌های بزرگ، پر از گل محمدی و آب می‌شوند و روی تل هیزم قرار می‌گیرند و گلاب، به روش تقطیر به دست می‌آید. دیگ‌هایی که همچون زودپزهایی بزرگ گل‌های تازه چیده را در خود می‌جوشانند و بخار را از طریق لوله‌هایی به شیشه‌های داخل جوی آب‌ها منتقل می‌کنند. گاه بر آتش زیر دیگ‌ها اسفند دود می‌کنند، مردم صلوات می‌فرستند و دل‌های خود را صفا می‌دهند.

#### ■ جزئیات

سالانه گردشگران بسیاری از مراسم گلاب‌گیران کاشان در شهرهای قمصر، نیاسر و بَرزک دیدن می‌کنند و دوربین‌های عکاسی و فیلم‌برداری را برای

لحظه‌ای از خود دور نمی‌کنند و سرانجام با کوله‌باری از گلاب و سایر عرقیات و با مقادیر زیادی از خاطره، عکس و فیلم به شهر و خانه خود بازمی‌گردند.

### ۳. بند پایانی:

برگزاری باشکوه مراسم گلاب‌گیری موجب زنده نگاه داشتن یکی از آیین‌های ارزشمند و کهن ایرانیان است. برکت گل محمدی و عطر گلاب، گردهمایی باشکوهی را در کویر مرکزی ایران فراهم می‌کند.

### فعالیت (۴)

با توجه به طرح نوشته خود در فعالیت (۳)، متنی بنویسید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



A series of 20 horizontal dotted lines for writing, arranged in ten pairs.



## مرحله پنجم: بازبینی و گسترش نوشته

در این مرحله، پس از شکل‌گیری بندها با افزودن واژه‌ها و صفت‌های مناسب و در صورت نیاز - استفاده از آرایه‌های گوناگون، نوشته را گسترش می‌دهیم و به ترتیب قرار گرفتن مطالب در بندها دقت می‌کنیم. همچنین به جملات موضوع و پیوستگی جملات تکمیلی آنها توجه می‌کنیم؛ با اضافه و کم کردن برخی واژه‌ها، همچنین تغییر و اصلاح بعضی جمله‌ها و گاه کوتاه کردن آنها، اشکالات نوشته را برطرف می‌کنیم.

### گل محمدی

در شهر تاریخی کاشان، هر سال مراسم دیدنی گلاب‌گیران برگزار می‌شود. گوشه‌ای از عظمت خداوند آن است که زیباترین گل‌های محمدی و خوشبوترین گلاب‌های جهان از دل کویر خشک کاشان بیرون می‌آید.

کاشان یکی از شهرهای استان اصفهان است که با آب‌وهوایی گرم و خشک بیابانی، میان کوه‌های کرکس و کویر مرکزی ایران قرار گرفته است؛ شهری با جاذبه‌های گردشگری فراوان نظیر باغ فین، دیوار سلجوقی، مساجد و خانه‌های دیدنی و قدیمی. گردشگران در اواسط اردیبهشت برای دیدن گلاب‌گیری به قصر و نیاسر سفر می‌کنند. این دو شهر پر از باغ‌های گل محمدی و جویبارهای فراوان است. بهترین زمان برای حضور در مراسم گلاب‌گیران، ساعات اولیه روز، یعنی زمانی است که هنوز خورشید سر از بستر کوه برنیاورده و بر تخت فرمانروایی اش تکیه زده است. گل‌هایی که در ساعات پیش از طلوع چیده شده‌اند شاداب‌ترند و گلاب بهتری از آنها به دست می‌آید.

صبح روز گلاب‌گیری، با طلوع خورشید، عطر گل محمدی همه را از خود بی‌خود می‌کند و بلبلان را به آواز خواندن وامی‌دارد. کارگران سرخوش از عطر دامن‌های پرگل خود، و گردشگران حیرت‌زده از این همه زیبایی و فریبایی گل‌ها به تماشا می‌نشینند و رایحه جان‌بخش گل‌ها، روح و جانشان را تسخیر می‌کند. در این هنگام، دیگ‌ها را پر از آب و گلبرگ‌های گل محمدی می‌کنند. دیگ‌هایی که

همچون زودپزهایی بزرگ، گل‌های تازه‌چیده را در خود می‌جوشانند و بخار را از طریق لوله‌هایی به شیشه‌های داخل جوی آب منتقل می‌کنند. گاه بر آتش زیر دیگ‌ها دانه‌های اسفند می‌ریزند تا چشم بد از رونق گلاب‌گیری دور شود، مردم صلوات می‌فرستند و دلها را با بوی خوش اسفند و نوای روح‌انگیز صلوات، صفا می‌دهند.

سالانه گردشگران بسیاری از مراسم گلاب‌گیران کاشان در شهرهای قمصر، نیاسر و برزک دیدن می‌کنند و دوربین‌های عکاسی و فیلم‌برداری را برای لحظه‌ای از خود دور نمی‌سازند و سرانجام با تهیه سوغاتی معطر، با صدها و بلکه هزاران قطعه عکس و فیلم، و دلی شاد به شهر و خانه خود باز می‌گردند.

برگزاری مراسم باشکوه گلاب‌گیری موجب زنده نگاه داشتن یکی از آیین‌های ارزشمند و کهن ایرانیان است که هر ساله به برکت گل محمدی و عطر گلاب، برپا می‌گردد.

## فعالیت (۵)

نوشته خود را بازبینی و اصلاح کنید و در صورت نیاز گسترش دهید.

### مرحله ششم: نوشتن نهایی و پاک‌نویس

در این مرحله، با توجه به اصلاحات و تغییراتی که در مراحل قبل اعمال گردید، متن را ویراستاری و پاک‌نویس می‌کنیم.

## فعالیت (۶)

اکنون متن کامل نوشته خود را پاک‌نویس کنید.



اینک نوشته‌هایتان را بخوانید یا در اختیار دوستانتان قرار دهید تا با استفاده از معیارهای جدول زیر، آن را ارزیابی کنند.

نمره	سنجه‌های ارزیابی	ردیف
۶	وصف زمان و مکان	۱
۶	وصف حال و هوا و فضا	۲
۴	انسجام نوشته	۳
۲	ویرایش ● پرهیز از نوشتن جمله‌های طولانی ● رعایت املا و نکات نگارشی	۴
۲	شیوه خواندن	۵
۲۰		جمع

# کارگاهِ نوشتن

| تمرین (۱) | نوشته‌ی زیر را بخوانید و زمان، مکان، حال و هوا و جزئیات آن را براساس آموزه‌های درس، در متن مشخص کنید.

## سال نو

باران بند آمده بود؛ اما هنوز از ساقه‌ی علف‌ها آب می‌چکید و دشت پر از گودال‌های آب بود. عکس آسمان بر سطح لرزانِ گودال‌های آب تماشایی بود. انگار صدها آینه‌ی شکسته را کنار هم چیده بودند. ابرهایی که هر لحظه به شکلی درمی‌آمدند، در مقابل آن آینه‌ها، خودشان را برای سال نو آماده می‌کردند. خورشید مثل دخترکی خجالتی از پشت کوه‌ها سرک می‌کشید و سلاح‌ها و کلاه‌های آهنی را برق می‌انداخت. دهانه‌ی توپ‌ها و خمپاره‌اندازها را با کیسه‌های نایلونی پوشانده بودند تا آب به داخلشان نرود. در پشت خاکریز، جعبه‌های خالی مهمات و پوک‌های مسی برآق همه‌جا پراکنده بودند. چند تا از سنگرها را آب گرفته بود و عده‌ای با لباس‌های خیس و گل‌آلود مشغول خالی کردن آنها بودند. صدای خنده‌شان با صدای شِلپ‌شِلپ آب آمیخته بود. از سنگر بغل دستی صدایی می‌گفت: «آب را گل نکنیم!»

دیگری جواب می‌داد: «تو ماهی‌ات را بگیر!...»

خنده‌ها از ته دل بود. انگار نه‌انگار که در جبهه‌ی جنگ بودند. بیشتر چادرها را روی سنگرها زده بودند و سفره‌های هفت‌سینِ عید پهن بود؛ سفره‌هایی که در آنها، جای سماق و سمنو را سرنیزه و مسلسل سیمینوف و حتی سنگ پر کرده بود.

گاهی گردباد کوچکی لنگ‌لنگان از راه می‌رسید و چادرهای باران‌خورده را مشت و مال می‌داد. عده‌ای قرآن می‌خواندند و بعضی تندتند به ساعتشان نگاه می‌کردند و رادیوهای جیبی را به گوششان چسبانده بودند. ناگهان صدای شلیک چند تیر هوایی بلند شد و زمزمه‌ی «یا مقلب القلوب...» در سنگرها پیچید. عید آمده بود؛ به همین سادگی!

◆ شهید باکری، یوسف‌زاده



تمرین (۲) | موضوعی انتخاب کنید و با رعایت مراحل نوشتن، متنی درباره آن بنویسید.



A series of horizontal dotted lines for writing, consisting of 18 lines.





## شعر گردانی

شعر زیر را بخوانید و برداشت خود را از آن بنویسید.

دیدار یار غایب، دانی چه ذوق دارد؟ ابری که در بیابان، بر تشنه‌ای بیارد **سعدی**

Blank writing area with horizontal lines for student response.



کستورس  
موسیقی (۶)





## گسترش محتوا (۲) شخصیت

«مردی بود میانه‌قد، با قیافه‌ای آفتاب‌سوخته و چروک‌برداشته و لباس نظامی مرتب و تمیز. تازه ریشش را تراشیده بود. حتماً هنوز چهل سالش نشده بود و خیلی به زحمت سعی می‌کرد فارسی سلیس حرف بزند. تفنگش را وارونه روی دوشش انداخته بود و ما با هم قدم می‌زدیم...»

◆ سه‌تار، آل احمد

\*\*\*

در نمونه بالا با مردی مواجه می‌شویم که نویسنده توانسته است ظاهر و رفتارش را برای ما به تصویر بکشد. با این کار، هنگام خواندن، تصویری از فرد یا افرادی که در متن حضور دارند، در ذهن ما نقش می‌بندد؛ به گونه‌ای که تا پایان متن، تمام رفتار و گفتار آنها را در ذهن مجسم می‌کنیم. حضور شخصیت‌ها در نوشته باعث می‌شود متن از یکنواختی خارج شود. از شخصیت‌پردازی و توصیف شخصیت‌ها می‌توان در انواع نوشته استفاده کرد.

توصیف، گسترش دادن موضوع با دقت در ویژگی‌های افراد، اشیا و مکان‌هاست. با توصیف می‌توان موضوع مورد بحث را در ذهن مخاطب به تصویر کشید. همچنین می‌توان با آوردن وابسته‌ها (صفت‌ها و مضاف‌الیه‌ها)، تشبیهات، توضیحات و مانند آن به توصیف پرداخت.

در این درس با توجه به مراحل زیر، به توصیف اشخاص می‌پردازیم:

### مرحله اول: موضوع یابی (انتخاب شخصیت)

در این مرحله باید موضوعی را برای نوشتن انتخاب کرد. انتخاب شخصیت، در حقیقت همان انتخاب موضوع است. بهترین کار این است که تصویری از افراد خاص را در جاهای گوناگون تصور کنیم. اگر به مسیر روزانه خود از خانه تا مدرسه با دقت نگاه کنیم، شخصیت‌های متفاوتی را در جاهای مختلفی می‌بینیم که با توجه به ظاهر و رفتار آنها می‌توانیم متن زیبایی خلق کنیم. راننده تاکسی یا اتوبوس، فروشنده‌ها، مسافران و مأموران در ایستگاه‌های مترو و اتوبوس، راننده وانتی که میوه و سبزی می‌فروشد، دانش‌آموزانی که در سنین مختلف به مدرسه می‌روند، تعمیرکاری که مشغول کار است، نانوا و کسانی که در صف نان هستند، خویشاوندان و حتی افراد خانواده می‌توانند شخصیت اصلی یا یکی از شخصیت‌های نوشته ما باشند.

پس با دقت بیشتری به اطراف نگاه کنیم؛ یعنی خوب ببینیم و بشنویم و با زیر نظر گرفتن اشخاص پیرامونمان، ویژگی‌های آنان را خوب بررسی کنیم و با تلاش ذهنی، آنها را در قالب شخصیت‌هایی خلق کنیم؛ مانند وصف برخی از شخصیت‌های کتاب فارسی سال پیش، از جمله: شخصیت «چشمه» در درس «چشمه»، «ناصر خسرو» و «گرمابه‌بان» در درس «سفر به بصره»، «نیما یوشیج» در متن «پیرمرد، چشم ما بود» و بسیاری از شخصیت‌های دیگر.

گاه شخصیت‌ها می‌توانند حیوان باشند؛ مانند داستان «سپید دندان» که از زبان سگی با همین نام روایت شده است. گاه نیز به اشیا جان می‌بخشیم و به آنها شخصیت انسانی می‌دهیم؛ مانند ماجرای «یخی که عاشق خورشید شد» در کتاب نگارش سال گذشته. در این درس، شخصیتی که موضوع نوشته ماست، یکی از هم‌کلاسی‌هایم به نام بهروز است.

## فعالیت (۱)

چند تن از افراد پیرامونتان را به عنوان موضوع نوشته انتخاب کنید و نام آنها را بنویسید.

.....

.....

.....

.....

.....

## مرحله دوم: تجسم و بارش فکری

برای مجسم کردن یک شخصیت یا یک شیء کافی است آن را به گونه‌ای معرفی کنیم که دیگران بتوانند تصویری از آن در ذهن خود بسازند. برای این کار، نخست باید افرادی را که می‌خواهیم در نوشته ما حضور داشته باشند، در ذهن مجسم کنیم. برای نمونه در موضوع «هم کلاسی ام بهروز»، شخصیت اصلی، دانش‌آموزی است که در مکانی مشخص مانند مدرسه یا کلاس حضور دارد. نویسنده برای تصویری کردن این شخصیت، به ظاهر و رفتار او در مدرسه توجه کرده و آنچه را برای خواننده جالب است، بر روی کاغذ می‌آورد.

ویژگی‌های شخصیت بهروز		
ویژگی اخلاقی	رفتاری	رنگ پوست
عادت‌ها		شکل، رنگ و حالت مو
علاق		سن و سال
باورها		قد و اندازه
.....		لباس و کیف و کفش
.....		چهره
.....		.....
.....		.....



## فعالیت (۲)

یکی از موضوع‌هایی را که در فعالیت (۱) نوشتید، انتخاب کنید و با تجسم شخصیت، ویژگی‌های او را مانند جدول صفحه قبل بنویسید.

فعالیت (۲)			
	رفتاری		ظاهری

### مرحله سوم: سازماندهی و طرح اولیه

در این مرحله طرح اولیه نوشته را تنظیم می‌کنیم. این کار نوشتن را آسان‌تر می‌کند؛ یعنی باید بدانیم پس از نوشتن بند آغازین، در بندهای میانی، چه مواردی را با چه ترتیبی بیاوریم. با توجه به موضوع انتخاب شده (هم کلاسی ام بهروز)، طرح را به این ترتیب در ذهن مرتب می‌کنیم:

■ بند آغازین

■ بندهای میانی

● معرفی بهروز با توجه به ظاهر

● معرفی بهروز با توجه به رفتار

■ بند پایانی

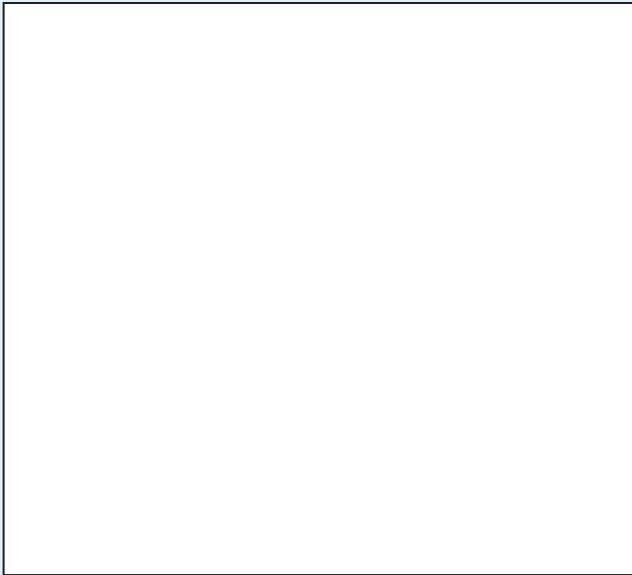
به این ترتیب، با سازماندهی ذهن خود، می‌دانیم از کجا باید شروع کنیم، بندهای میانی را به چه ترتیبی بیاوریم و نوشته را در کجا به پایان برسانیم.

### فَعَالِيَت (۳)

با توجّه به طرح اولیّه نوشته خود، به پرسش های زیر پاسخ دهید.

■ بندهای میانی نوشته شما چند بند موضوعی دارد؟

■ در بندهای میانی، درباره چه موضوعاتی می خواهید بنویسید؟



### مرحله چهارم: پیش نویس

در این مرحله، مطابق با نقشه طراحی شده در مرحله پیش، جمله هایی می سازیم و آنها را در پی هم می آوریم. این جمله ها پیش نویس اولیّه نوشته را شکل می دهد.

۱. بند آغازین:

زندگی به آدم یاد می دهد که از ظاهر افراد نباید زود درباره آنها قضاوت کرد. برای مثال، گوشه ای از زندگی بهروز را در دوران مدرسه شرح می دهم:



## ۲. بندهای میانی:

بهروز پسری دوازده ساله با صورتی سبزه و موهای موج دار بود. همان روز اول مهر موهایش را از ته می تراشید. قد او ۱۲۰ سانتی متر بود، اما سعی می کرد موقع راه رفتن خودش را قد بلندتر جلوه دهد. لباس هایش، همگی راه راه از بالا به پایین بودند. کفش هایی انتخاب می کرد که زیره ضخیم تری داشته باشد. دلیلش را خودتان می دانید. اما از بس فوتبال بازی می کرد، همیشه کفشش پاره بود. کیفش را روی دوشش نمی انداخت و سعی می کرد دسته کیف چرمی مشکی اش را در دست بگیرد؛ اینجوری باکلاس تر بود!

همه می گفتند آدم مرموز و توداری است؛ چون تا چیزی از او نمی پرسیدند، حرفی نمی زد. سعی می کرد مثل کتاب خوان ها باشد، اما هر وقت کارنامه اش صادر می شد، دیگر جرئت نداشت به خانه برود. در مدرسه هم خیلی به درس ها توجه می کرد. معاونین همیشه خوبی های او را به رخ ما می کشیدند و هر بلایی سر دیگران می آورد، تبرئه اش می کردند. هر وقت معلم جدیدی می آمد، فکر می کرد بهروز شاگرد اول است، اما آخر سال، شرمنده معلم می شد.

## ۳. بند پایانی:

در جامعه، افرادی مانند بهروز دیده می شوند. آیا شما تاکنون با چنین کسانی دیدار داشته اید؟





## مرحله پنجم: بازبینی و گسترش موضوع

در این مرحله، نوشته قبلی خود را بازبینی و اصلاح می‌کنیم و با استفاده از آنچه تاکنون آموخته ایم، آن را گسترش می‌دهیم.

### شاگرد اول کلاس ما

#### ۱. بند آغازین:

زندگی به آدمی می‌آموزد که ظاهر اشخاص ملاک خوبی برای زود قضاوت کردن نیست. برای درک این مطلب به بخش‌هایی از شخصیت بهروز، هم‌کلاسی قدیمم در دوران مدرسه اشاره می‌کنم:

#### ۲. بندهای میانی:

الف) بهروز پسری دوازده‌ساله بود با صورتی سبزه و موهای موج‌دار. البته اول مهر که قرار بود به مدرسه برود موهایش را از ته می‌تراشید. انگار سالی ده سانتی متر رشد می‌کرد؛ قد او درست صد و بیست سانتی متر بود اما سعی می‌کرد موقع راه رفتن خودش را بیشتر بکشد تا قد بلندتر دیده شود. برای این منظور، همه لباس‌هایی که می‌پوشید، راه‌راه از بالا به پایین بودند. کفش‌هایی انتخاب می‌کرد که زیره ضخیم‌تری داشته باشد. دلیلش را خودتان می‌دانید. از بس فوتبال بازی می‌کرد، همیشه لب‌ولوچه کفشش آویزان بود. کیفش را هیچ‌وقت روی دوشش نمی‌انداخت و سعی می‌کرد همیشه مثل مهندس‌ها دسته کیف چرمی مشکی‌اش را در دست بگیرد؛ اینجوری با کلاس‌تر بود!

ب) همه می‌گفتند آدم مرموز و توداری است؛ چون تا چیزی از او نمی‌پرسیدند، حرفی نمی‌زد. سعی می‌کرد مثل کتاب‌خوان‌ها باشد، اما بین خودمان باشد، فقط سعی می‌کرد! هر وقت کارنامه‌اش صادر می‌شد، دیگر جرئت نداشت به خانه برود. در مدرسه خیلی به درس‌ها توجه می‌کرد. معاونان همیشه خوبی‌های او را به رخ ما می‌کشیدند و هر بلایی سر دیگران می‌آورد، تبرئه‌اش می‌کردند. باورشان نمی‌شد

که او آب زیرکانه باشد. هر وقت معلم جدیدی می‌آمد، فکر می‌کرد بهروز شاگرد اول است، ولی آخر سال شرمندۀ معلم می‌شد.

### ۳. بند پایانی:

در جامعه، افراد مرموزی چون بهروز بسیار هستند. آیا شما تاکنون با چنین کسانی دیدار داشته‌اید؟ دربارهٔ آنها چگونه قضاوت کرده‌اید؟

چنان‌که دیدید، نویسنده ابتدا متنی ساده نوشته، سپس واژه‌ها و جمله‌هایی را که زیرشان خط کشیده شده، به متن افزوده و آن را زیباتر کرده است؛ به این ترتیب متن، آراسته و گسترده شده است.

## فعالیت (۵)

پیش‌نویس نوشتهٔ خود را بخوانید و آن را گسترش دهید.

### مرحلهٔ ششم: نوشتن نهایی و پاک‌نویس

در این مرحله، با توجه به اصلاحات و تغییرات ایجادشده در مراحل پیش، متن کامل شده را ویرایش و پاک‌نویس می‌کنیم.

## فعالیت (۶)

اکنون متن نوشتهٔ خود را به‌طور کامل پاک‌نویس کنید.



اینک نوشته‌هایتان را بخوانید یا در اختیار دوستانتان قرار دهید تا با استفاده از معیارهای جدول زیر، آن را ارزیابی کنند.

ردیف	سنجه‌های ارزیابی	نمره
۱	تجسم شخصیت الف) توجه به ویژگی‌های ظاهری ب) توجه به رفتار	۱۲
۲	انسجام نوشته	۴
۳	ویرایش ● رعایت نشانه‌ها و نکات نگارشی ● رعایت املا	۲
۴	شیوه خواندن	۲
جمع		۲۰

# کارگاهِ نوشتن

| تمرین (۱) | نوشته‌های زیر را بخوانید و ویژگی‌های رفتاری شخصیت‌های آن را در متن مشخص کنید.

الف) نوجوان که بود تابستان‌ها سرکار می‌رفت. یک روز قرار شد همراه خانواده به باغی در خارج از شهر برویم و استراحتی بکنیم؛ وقتی موضوع را به محمدابراهیم گفتیم، گفت: «من نمی‌آیم، کار دارم، من توی یک مغازه کار می‌کنم.» گفتیم: «الان که تابستان است و درس و مشق نداری. زندگی هم که روبه‌راه است پس چرا کار می‌کنی؟» گفت: «نمی‌خواهم دائم دنبال بازی باشم. دوست دارم سرکار بروم.» پرسیدم: «حالا چه کار می‌کنی؟» گفت: «توی یک مغازه میوه‌فروشی کار می‌کنم.» گفتیم: «چرا میوه‌فروشی؟! می‌رفتی تو یک بازی کار می‌کردی که لاقلاً کارش تروتمیزتر است.» گفت: «اتفاقاً چون کارش سخت‌تر و بیشتر است آن را انتخاب کرده‌ام. در مغازه بازی هم‌اش باید یک گوشه بنشینم و چرت بزنم.»



◆ شهید همت، عربلو



ب) نشستن در گوشهٔ خاکریز و به فکر فرو رفتن، کار همیشهٔ سید بود. او به دوردست‌ها خیره می‌شد و پرواز آرام کبوترها را که از میان دود و غبار انفجار می‌گذشتند، دنبال می‌کرد؛ درست مثل زمانی که از کنار گنبد حضرت عبدالعظیم پرمی‌کشیدند.

◆ شهید آوینی، جعفری مطلق







# حکایت نگاری

حکایت زیر را بخوانید و آن را به زبان ساده بازنویسی کنید.

طاووسی و زاغی، در صحن باغی به هم رسیدند و عیب و هنر یکدیگر را دیدند. طاووس با زاغ گفت: «این موزه (کفش) سرخ که در پای توست، لایق موزه اشتباه کرده ایم. من موزه سیاه تو را پوشیده ام و تو موزه سرخ مرا.» زاغ گفت: «برخلاف این است؛ اگر خطایی رفته است، در پوشش های دیگر رفته است. باقی پوشش های زیبای تو مناسب موزه من است؛ در آن خواب آلودگی، تو سر از گریبان من در آوردی و من سر از گریبان تو.» در آن نزدیکی، سنگ پشتمی بود و آن مجادله را می شنید؛ سر بر آورد که ای یاران عزیز! از این گفت و گوی باطل دست بردارید؛ خدای تعالی همه چیز را به یک کس نداده است. هر کس را به داده خود، خرسند باید بود و خشنود.

◆ بهارستان، جامی (با اندکی تصرف)

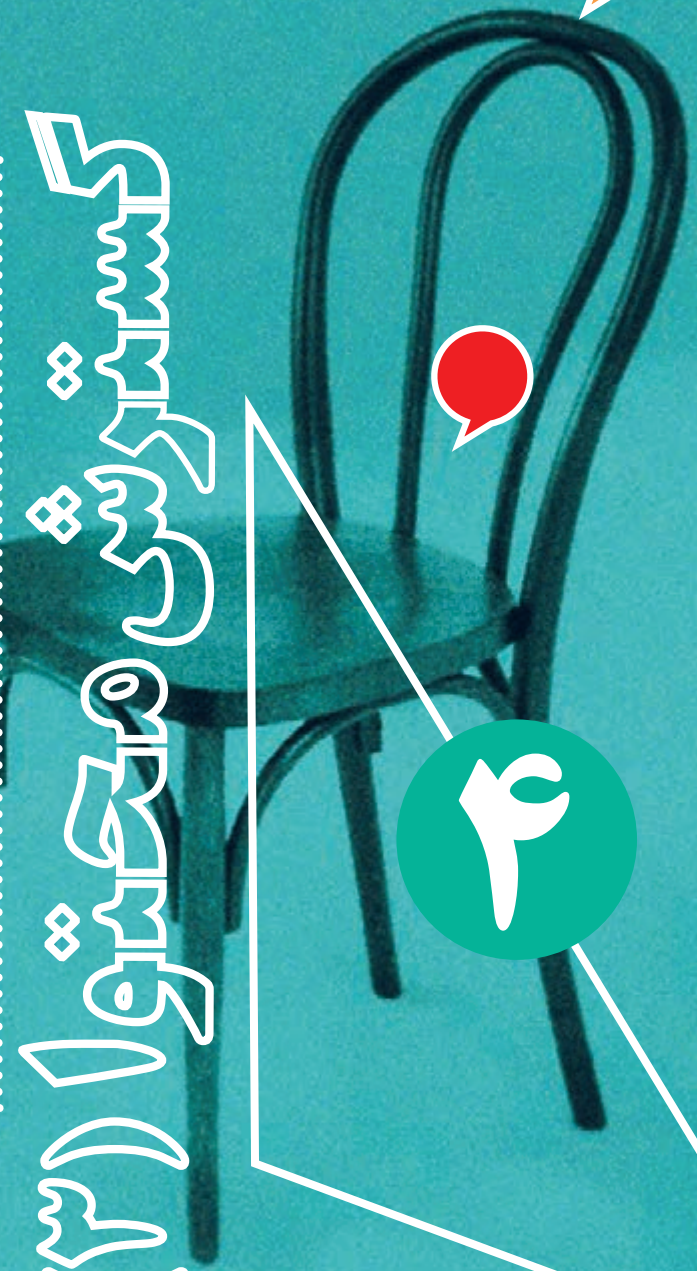




Handwriting practice area consisting of 18 horizontal dotted lines.



# گسترش مساحتها (۳)





# گفت و گو



# گسترش محتوا (۳)

## گفت و گو

یکی از تیرهای سقف صدا می دهد، سرم را می برم بالا.  
ننه می گوید: «برفش ریز است. خیال نمی کنم به این زودی ها دست از  
سرمان بردارد.»  
می گویم: «اگر تا صبح ببارد، خطر ندارد؟»  
می گوید: «چرا! خیلی سنگین می شود.»  
برمی گردد و فتیله چراغ را می کشد بالا. دوباره نگاهی به سقف می اندازم و  
از جایم بلند می شوم.  
- کجا؟  
- می خواهم برف پشت بام را بریزم.  
- الان؟!  
- آره.  
- ولی هوا سرد است. کف پشت بام هم یخ زده. می ترسم لیز بخوری.  
- نترس، حواسم هست.

کوه مرصدا زد، بایرامی



گفت وگوها بخش زیادی از زندگی ما را شکل می دهند. آرزوها، نگرانی ها و شادی های ما در گفت وگو تجلی می یابد.

یکی از روش های گسترش نوشته، ایجاد گفت وگوست. گفت وگوبه معرفی شخصیت های نوشته کمک می کند و به شکل غیرمستقیم اطلاعات بسیاری را از زبان آنان به خواننده انتقال می دهد. از گفت وگویی صفحه قبل درمی یابیم راوی پسری کاری و زبرورنگ است؛ مادر او نیز زنی مهربان و دلسوز است. یکی دیگر از کارکردهای گفت وگو، به حرکت درآوردن نوشته است که در نمونه زیر می بینید:

جاهایی را که پارو کرده ام، برف دوباره سفید کرده؛ با خود می گویم: «عیبی ندارد، دیگر سنگین نخواهد شد.» ننه صدایم می کند، خودم را می کشم لب بام.

- چقدر دیگر مانده؟

- برف اتاق را ریخته ام.

- می خواهی بیایم کمکت؟

- نه خودم از پشش برمی آیم.

- آخه هنوز خیلی مانده.

- عیبی ندارد، تمامش می کنم تو برو.

- عرق بر پیشانی ام می نشیند، می ترسم سرما بخورم، خودم را می رسانم

کنار سوراخ سقف.

- ننه، کلاهم را بفرست بیاید.

### همان منبع

برای گسترش محتوا با استفاده از عنصر «گفت وگو»، می توانیم مطابق با مراحل زیر بنویسیم:

### مرحله اول: انتخاب موضوع

برای دست ورزی در گفت وگونیسی، ابتدا موضوعات گوناگونی را که به ذهن می رسد، یادداشت می کنیم؛ مانند: شادی، جنگل، عشق، پرنده، دریا، زندگی، دوستی و...

در اینجا موضوع انتخابی ما «دریا» است. شما چه موضوعی را برای نوشتن انتخاب می کنید؟

## فَعَالِيَت (۱)

از موضوعاتی که نسبت به آنها دانش، تجربه و دلبستگی بیشتری دارید، چند نمونه بنویسید:

..... ۱

..... ۲

..... ۳

..... ۴

### مرحله دوم: تجسّم و بارش فکری

ابتدا موضوع «دریا» را در ذهن مجسّم می‌کنیم، از تجربه قبلی حضور در آن موقعیت، بهره می‌گیریم و تصاویری را که از دریا در ذهن داریم، بازسازی می‌کنیم. به این ترتیب تصویر دریا را به صورت شفاف در ذهن خود مرور می‌کنیم.

- عظمت آفریننده دریا و علت آفرینش آن را درک می‌کنیم.
- همه‌مه شاد ماهیگیران بازگشته از صید و مرغان دریایی را می‌شنویم.
- شن‌های نرم و مطبوع ساحل را زیر پاهایمان حس می‌کنیم.
- طرح‌های زیبا و متنوع صدف‌ها را لمس می‌کنیم.
- در غروب ساحل به رنگ خورشید نگاه می‌کنیم.
- به رازهای پنهان شده در اعماق دریا می‌اندیشیم.
- درخشش مرواریدهای غلتان را در ذهن مجسّم می‌کنیم.
- به ذخایر و ثروت‌های عظیم اعماق دریاها فکر می‌کنیم.

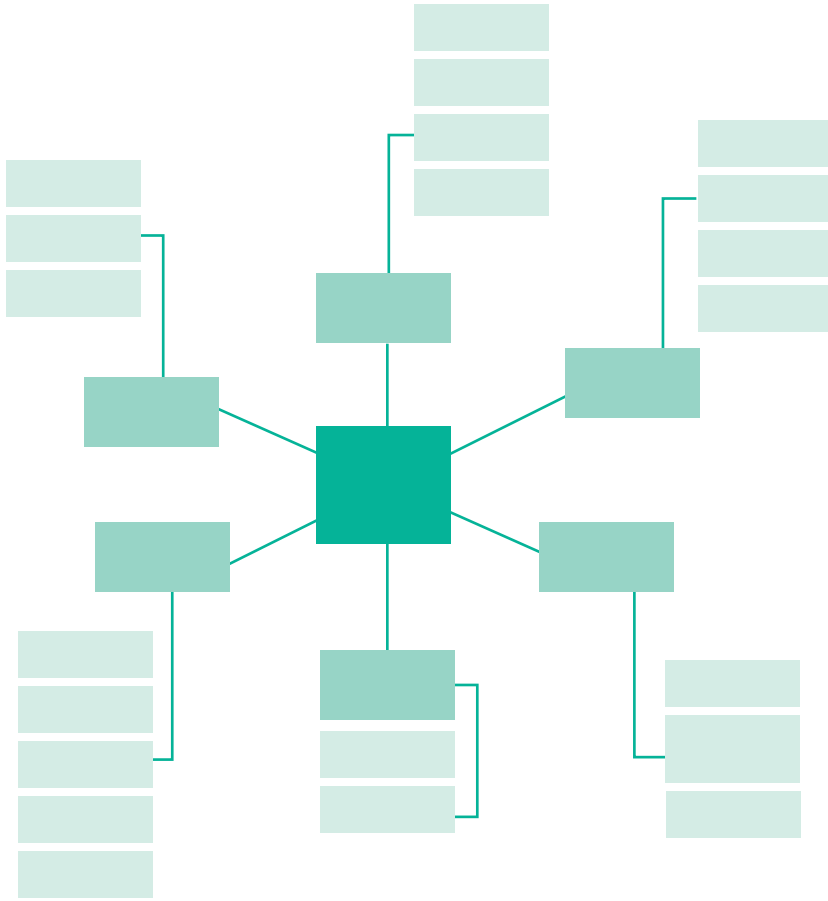


در ادامه با توجه به فضایی که گفت و گو در آن شکل می‌گیرد، موضوع را گسترش می‌دهیم و موضوعات و محورهای مرتبط با آن را در نموداری ثبت می‌کنیم. موضوع انتخاب شده را می‌توان مانند نمونه زیر گسترش داد.



## فعالیت (۲)

حالا نوبت شماست؛ موضوع انتخابی خود را در ذهن مجسم کنید و واژه‌های مرتبط با آن را در نموداری مشابه نشان دهید.



### مرحله سوم: سازماندهی و طرح اولیه

در این مرحله، ابتدا دو طرف گفت‌وگو را مشخص می‌کنیم؛ سپس با استفاده از تصویر روشنی که از فضای موضوع داریم و با بهره‌گیری از عناصر و اجزای مرتبط با موضوع، یک گفت‌وگو را طراحی می‌کنیم.

طرح گفت‌وگو	دو طرف گفت‌وگو
دو ماهی از خاطرات خود سخن می‌گویند.	دو ماهی
صدف از پروردن مروارید با دریا و دریا از خاطره تولد هزاران مروارید که شاهد آن بوده است، سخن می‌گوید.	صدف با دریا
نجوای ماهیگیری که در پی صید ماهی، چند روزی در دریا سرگردان است.	ماهیگیر با خودش
دو ناخدا از خاطرات شیرین دوران کودکی خود می‌گویند.	ناخدا و دوست دوران کودکی اش

### فعالیت (۳)

به کمک تجسمی که از موضوع خود داشتید، دو طرف گفت‌وگو را مشخص کنید و طرح گفت‌وگو را بنویسید.

طرح گفت‌وگو	دو طرف گفت‌وگو



### مرحله پنجم: بازبینی و گسترش متن

در این مرحله با اضافه و کم کردن برخی واژه‌ها، تغییر و اصلاح بعضی جمله‌ها و گاه با کوتاه کردن آنها، پیوستگی گفت‌وگوها را به صورت منطقی برقرار می‌کنیم و نوشته را گسترش می‌دهیم.

سایه دو مرد، در حالی که قلاب‌های ماهیگیری در دست دارند، روی شن‌های ساحل پهن شده است.

- شیخ طائف پاشو بریم. امروز ما رو شانس نیستیم. اون یک دونه ماهی را هم که گرفتی، گفתי سهم دریاست و به آب انداختی. امشب باید دست خالی برگردیم ناخدا، من نمی‌دونم این دریا چی داره که تو ازش دل نمی‌کنی!؟
- تو مهمونی و حبیب خدا ولی دریا همه زندگی منه.
- یادمه از وقتی بچه بودیم، همیشه جای تو لب ساحل بود.
- آره، همیشه کنار ساحل بودم.
- می‌رفتی و زل می‌زدی به کشتی‌سازها.
- هی... خیلی دلم می‌خواست یه روز با دستای خودم یه کشتی بسازم که بزرگ‌ترین کشتی جزیره باشه ولی نشد!
- کشتی‌ساز نشدی اما ناخدای خوبی شدی. این بهتر نیست ناخدا؟
- ناخدا طائف به بلم که آرام و سنگین در ساحل لم داده اشاره می‌کند.
- اینکه کشتی نیست.
- ناشکری نکن ناخدا.
- ناشکر نیستم، این بلم جای پسر رو برام پر می‌کنه.

### فعالیت (۵)

پیش‌نویس را بخوانید و از نظر ساخت جمله‌ها و واژه‌ها آن را اصلاح کنید و در صورت لزوم گسترش دهید.

### مرحله ششم: نوشتن نهایی

در این مرحله، متن کامل گفت‌وگو پاک‌نویس و از نظر املایی و نقطه‌گذاری اصلاح می‌شود.

### فعالیت (۶)

متن کامل گفت‌وگو را پاک‌نویس کنید.



اینک نوشته‌هایتان را بخوانید یا در اختیار دوستانتان قرار دهید تا با استفاده از معیارهای جدول زیر آن را ارزیابی کنند.

ردیف	سنجه‌های ارزیابی	نمره
۱	دو طرف گفت‌وگو و طرح گفت‌وگو	۶
۲	ایجاد گفت‌وگوی مؤثر و پیش‌برنده نوشته	۶
۳	انسجام گفت‌وگو	۴
۴	شیوه خواندن	۲
۵	رعایت املا و نشانه‌ها و نکات نگارشی	۲
جمع		۲۰



# کارگاهِ نوشتن

تمرین (۱) | متن زیر را بخوانید؛ سپس موضوع و طرح گفت‌وگو را معین کنید.

زری آمرانه گفت: «اینجا من دستور می‌دهم. خانم خانه من هستم. برو اسب را از طویله درآر.»  
غلام گفت: «خانم از من بشنو، این کار را نکن. فکر فردا را بکن که پسرت از راه می‌رسد و دلش می‌شکند. فکر پس فردا را بکن که آقا می‌آید. از شان نترس. بگو نمی‌دهم. فارغ! چه کارت می‌تواند بکنند؟»  
ژاندارم گفت: «مگر تو همشهری من نیستی؟» و راه افتاد.  
غلام پرسید: «کجا می‌روی؟»  
ژاندارم گفت: «می‌روم طویله.»  
غلام گفت: «همشهری ام هستی، باش. جرئت داری پایت را به طویله بگذار.»  
ژاندارم گفت: «تفنگم را نیاوردم. حالا می‌روم می‌آورم.»  
غلام با ژاندارم دست‌به‌یقه شد و داد زد: «حالا تفنگت را به رخ من می‌کشی؟ مگر تو همان کسی نبودی که شب‌ها می‌رفتی مرغ‌زدی؟»  
عمه خانم غلام را صدا کرد و آهسته گفت: «غلام، چن نکن. خان کاکا قول داده. فعلاً اسب را بده ببرد. من فکر خوبی کرده‌ام به شرطی که هنوز خسرو برنگشته، اسبش اینجا باشد.»  
غلام رفت و اسب را از طویله درآورد و افسارش را داد دست ژاندارم. زری احساس کرد که انگار تمام جلا و رنگ باغ را برده‌اند.

◆ سووشون، دانشور



# مثل نویسی

مثل‌های زیر را بخوانید؛ سپس یکی را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید.

■ چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی؟

■ عجله، کار شیطان است.

■ آدم ترسو، هزار بار می‌میرد.

■ آب ریخته، جمع‌شدنی نیست.

■ آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم.

موضوع:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....





## درس پنجم

# سفرنامه

«... ما در نظر داشتیم به وسیله فیلم برداری و عکاسی خود، مردم مسلمان سایر نقاط جهان را به شریعت اسلام و سازمان های آن علاقه مندتر سازیم و به این وسیله آرزوی کسانی را که سال هاست حسرت دیدار خانه خدا را دارند، اما استطاعت مالی برای سفر به مکه را ندارند، برآوریم.

خار مغیلان پاهای ما را چندان مجروح نکرد، اما در راه مکه پانزده بار لاستیک اتومبیلمان پنچر شد که به زحمت آن را به راه انداختیم. کم کم داخل کوچه های تنگ مکه شدیم. بالکن های چوبی و منبت کاری شده، از هر طرف روی سرمان آویخته بودند و ما احساس می کردیم هر لحظه ممکن است آن بالکن ها روی سرمان خراب شوند!

وقتی از دروازه عظیم ابن سعود گذشتیم، خود را در برابر کعبه یافتیم. کعبه ساختمان مکعب شکل عظیمی است که در زیر مخمل سیاه رنگی پوشیده شده است و قسمت اصلی آن، یعنی حجرالأسود در گوشه کعبه نصب گردیده است. در برابر کعبه، همیشه مردم بسیاری در حال طواف دیده می شوند. آن روز هم در محلی که برای نماز تعیین شده است، عده زیادی نشسته و به فکر فرو رفته بودند.»

◆ سفرنامه برادران امیدوار

نمونه‌ای که خواندید، ماجرای سفر طولانی و پرمخاطره دو ایرانی به دور دنیاست که سال‌ها پیش با موتورسیکلت و اتومبیل انجام داده‌اند. گاهی نویسنده شرح سفر را با زبان ادبی می‌نویسد و گاه کاملاً مستندنگاری می‌کند. وقتی کاربرد سفرنامه، از ثبت خاطرات شخصی فراتر می‌رود و با این هدف تولید می‌شود که دیگران هم از آن بهره ببرند، مخاطبان بیشتری پیدا می‌کند و در آن صورت نویسنده تنها به سلیقه و علاقه خود نمی‌اندیشد، بلکه نکاتی چون مستند بودن، دقیق نوشتن، صداقت، توجه همه‌جانبه در انتقال تجربیات سفر و اطلاع‌رسانی دقیق، برایش اهمیت پیدا می‌کند.

امروزه برخی از افراد در طول سفر، لحظات خاص و جذابی را که ارزش نوشتن دارند، ثبت می‌کنند و گاهی این لحظات را همراه عکس و فیلم از طریق شبکه‌های مجازی در اختیار دیگران قرار می‌دهند. لحظه‌نگاری مانند یک رسانه عمل می‌کند و گاه به منزله یک ابزار ارتباطی، اطلاع‌رسانی و حتی آموزشی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. گاهی به نظر می‌رسد نویسنده دوربینی در دست دارد و تنها برخی از صحنه‌های خاص و جالب سفر یا آنچه را که از نگاه خواننده پنهان می‌ماند، ثبت می‌کند. بهتر است نویسنده حوادثی را بیان کند که خود، آنها را تجربه کرده است.



نمونه زیر، بخشی از لحظه‌نگاری‌های یکی از زائران کربلاست که به صورت روزانه در راه پیمایی اربعین نگارش یافته و در فضای مجازی منتشر شده است.

■ ستون ۲۸۵: به موکب امام رضا جان رسیدیم. عجب عظمتی دارد.

اینجا هم امام رضا علیه السلام پناه ماست. اینجا انگار صحن رضوی است. بدون استثنا ایرانیان از موکب امام رضا علیه السلام روزی می‌خورند...

■ ستون ۱۲۴۰: دیسک کمر امانم را بریده، تمام وجودم خسته و ناتوان

است، به سرم زد یا بمانم یا با ماشین، بقیه راه را بروم. در همین حال یکی از جانبازها را دیدم که یک پا داشت و با عصا می‌آمد. تصمیمم عوض شد، هر طور شده تا کربلا با این وضع می‌روم...

■ ستون ۱۳۵۲: صد ستون تا کربلا باقی مانده. پاها درد می‌کند و تاول زده

است. حتی آنهایی که از ابتدای سفر احساس قدرت و ورزشکار بودن داشتند، کم آورده‌اند...

■ ستون ۱۴۵۲: اینجا کربلاست. گنبد علمدار امان را گرفته است. اشک

زوار همه مشک‌ها را سیراب می‌کند. چیزی برای گفتن ندارم، جز اینکه اینجا کربلاست؛ نیت کنید.





امروزه در بیشتر سفرنامه‌ها شرح کلّ سفر بیان نمی‌شود. گاه حتی ذکر صحنه‌هایی از همکاری و مهربانی یک دوست یا برشی از شادترین و یا غم‌انگیزترین صحنه سفر می‌تواند موضوع سفرنامه باشد.

نوشتن سفرنامه در کلاس، مطابق با مراحل نوشتن، به شرح زیر است:

### مرحله اول: انتخاب موضوع

عنوان سفرهای به یادماندنی خود را می‌نویسیم؛ سپس یکی از عنوان‌ها را که اطلاعات بیشتری از آن به خاطر داریم، انتخاب می‌کنیم؛ مانند:

- اردوی یک هفته‌ای در اصفهان
- سفر به روستاهای دیدنی
- سفر خانوادگی به مشهد مقدّس
- بازدید از مناطق جنگی
- و ...

برای نمونه، سفری را که با دانش‌آموزان به اصفهان رفته‌ایم، انتخاب می‌کنیم.

### فعالیت (۱)

چند موضوع از موضوعاتی که اطلاعات و دل‌بستگی بیشتری نسبت به آن دارید،

بنویسید:

..... ●

..... ●

..... ●

..... ●

..... ●

..... ●

## مرحله دوم: تجسّم و بارش فکری

درباره موضوعی که انتخاب کرده‌ایم، چند پرسش کلیدی مطرح می‌کنیم؛ مانند:

■ محل سفر؟ اصفهان

■ زمان سفر؟ بهمن ماه

■ مدت سفر؟ یک هفته

در این مرحله، صحنه‌ای از رویدادها، حوادث و لحظات خاصّ سفر را به یاد می‌آوریم و ثبت می‌کنیم؛ مانند:

■ آواز خوانی سنتی؛

■ عکس دسته‌جمعی در منارجنبان؛

■ رسیدن دانش‌آموز جامانده از قطار؛

■ بازدید از کوه صُفّه و جاماندن غذا در ماشین؛

■ گم شدن دانش‌آموز؛

■ کالسکه‌سواری؛

■ گنبد و پژواک صدا.

منارجنبان



## مرحله سوم: سازماندهی و طرح اولیه

در این مرحله طرح اولیه نوشته شکل می گیرد که با بند مقدمه آغاز می شود. در این بند نویسنده متناسب با فضای فکری و سبک و شیوه خود، به گونه ای متن را آغاز می کند که مخاطب را جذب کند. در ادامه، بندهای میانی شکل می گیرند. در سفرهای کوتاه می توان با توجه به ترتیب زمانی رویدادهای جالب و لحظات خاص سفر، مطالب بندهای میانی را سازماندهی کرد؛ مانند: روز یکم، روز دوم یا یکشنبه ۲۰ بهمن، دوشنبه ۲۱ بهمن و ... در سفرنامه های طولانی، گاه مطالب براساس مکان (منطقه، شهر یا کشور) ارائه می شوند؛ مانند: سفرنامه ناصر خسرو یا مار کوپولو. همچنین می توان بر اساس نشانه هایی که در طول سفر قرار دارد، نوشته را تنظیم کرد؛ مانند: ستون ۲۵۰، ستون ۳۸۰. جدول زیر برای ثبت این وقایع به ما کمک می کند. در واقع بخش میانی نوشته ما به تعداد ردیف های این جدول، سه بند خواهد بود که با توجه به ترتیب وقوع رویدادها تنظیم شده است:

زمان	مکان	موضوع کلی رویدادها و لحظات خاص سفر	نکات مهم، جالب و عجیب
عصر روز اول سفر	ایستگاه راه آهن قم	رسیدن دانش آموز جامانده از قطار	جا ماندن چمدان و وسایل دانش آموز در ماشین
ظهر روز دوم سفر	کوه صُفّه	بازدید از کوه صُفّه	خوردن نان و آب معدنی
صبح روز سوم سفر	مسجد امام خمینی	گنبد و پژواک صدا	استفاده از ویژگی پژواک گنبد در سخنرانی

در پایان نوشته، بند جمع بندی می آید که فرود تأثیرگذار نوشته است.

### فعالیت (۳)

طرح اولیه نوشته خود را تنظیم کنید و به پرسش های زیر پاسخ دهید.  
الف) بخش میانی نوشته شما چند بند دارد؟  
ب) در هر بند، می خواهید درباره چه موضوعی بنویسید؟

نکات جالب	موضوع کلی و لحظات خاص سفر	مکان	زمان

### مرحله چهارم: پیش نویس

در این مرحله صحنه ها را در ذهن خود بازسازی می کنیم و یک بند درباره هر یک می نویسیم.

#### ۱. بند آغازین

زیبایی و شکوه آثار تاریخی اصفهان چنان بیننده را مفتون می سازد که حتی برای شهروندی که سال ها در کنار این آثار بدیع زندگی کرده، نه تنها خسته کننده نیست بلکه با هر بار مشاهده، راز و رمزهای شگفت و تازه ای را آشکار می کند. همین امر سبب شده است هر ساله در تعطیلات نوروز، مردم سایر استان های ایران برای دیدن و استفاده از فضاهای تاریخی، فرهنگی و طبیعی به این شهر سفر کنند. بر همین اساس، پس از مشورت و همفکری، مقصد اردوی دانش آموزان مدرسه ما نیز «اصفهان» تعیین شد.

## ۲. بندهای میانی

روز اول - رسیدن دانش آموز جامانده از قطار:

قطار با سوت بلندی حرکت خود را آغاز کرد. همه خوشحال بودیم. بعد از تمام شدن امتحان فرصت خوبی برای تفریح و سفر بود. یکی از بچه‌های پرسروصدای کلاس که اتفاقاً قرار بود در کوپه ما باشد، از سفر جا ماند. حسابی دلمان برایش سوخت اما در ایستگاه قم که قطار ایستاد، سروکله‌اش پیدا شد. بالاخره خودش را رساند.

روز دوم - بازدید از صَفَه:

از دم نماز صبح، سروصدا و بوی خوشی از آشپزخانه می‌آمد. آشپز قول داده بود برایمان بریانی درست کند. طبق برنامه سفر، اتوبوس‌ها ساعت ده صبح آمدند و به طرف کوه صَفَه به راه افتادیم؛ پارکی کوهستانی که بخش‌هایی از آن، شکل پارک جنگلی دارد. یکی از معلم‌هایمان که اطلاعات خوبی درباره این مکان داشت، گفت: «شاه‌دژ از نقاط مشهور کوه صَفَه است که به قلعه دیو هم معروف است و هسته مرکزی پارک کوهستانی صَفَه است.» بالاخره راه پیمایی تمام شد و بساط نهار به راه افتاد اما دریغ و صد دریغ که ظرف‌های غذا جا مانده بود! ما که دلمان را برای خوردن بریانی صابون زده بودیم، آن روز را با نان تازه و آب‌های معدنی سر کردیم و کلی خندیدیم؛ جای همه خالی.



روز سوم - انعکاس صدا در مسجد امام:

روز سوم به مسجد امام رفتیم. یکی از ویژگی‌های این مسجد، گنبد آن است. این گنبد طوری ساخته شده که اگر زیر آن بایستیم و آرام صحبت کنیم، صدا انعکاس پیدا می‌کند. از صحبت‌های راهنما فهمیدیم که در گذشته به دلیل نبودن دستگاه‌های صوتی سخنرانان از این ویژگی استفاده می‌کرده‌اند. بچه‌ها از تعجب دهانشان باز مانده بود. یکی از بچه‌ها به شوخی گفت: معلوم می‌شود سازندگان و معماران این گنبد خیلی به بخش پژواک علاقه داشتند و اگر الآن زنده بودند، در فیزیک و ریاضی نمره عالی می‌گرفتند.

### ۳. بند پایانی

این سفر بسیار به یادماندنی بود و برگه شیرین و دلپذیر از دفتر خاطراتم شد.

### فعالیت (۴)

با توجه به طرح سفرنامه خود، پیش‌نویس آن را بنویسید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



Handwriting practice area consisting of 20 horizontal dotted lines.





## مرحله پنجم: بازبینی و گسترش متن

در این مرحله برخی از قسمت‌ها را که مستقیماً با متن ارتباط ندارند و می‌توان از آنها صرف‌نظر کرد، حذف می‌کنیم و برای پیوند دادن قسمت‌های گوناگون، جمله‌های موردنیاز را اضافه می‌کنیم. در نوشتن رویدادها به توالی زمانی آنها توجه می‌کنیم.

### موضوع: سفر به اصفهان

زیبایی و شکوه آثار تاریخی اصفهان، هر بیننده‌ای را به خود جذب می‌کند. دیدن این شهر هر بار، رازورمزهایی تازه و شگفت را نمایان می‌سازد. هر ساله گردشگرانی از سایر استان‌ها، برای بازدید از فضاهای تاریخی، فرهنگی و طبیعی به این شهر سفر می‌کنند. به همین علت مسئولان مدرسه ما نیز اصفهان را برای بازدید انتخاب کردند.

قطار با سوت بلندی حرکت خود را آغاز کرد. همه خوشحال بودیم. روزهای پس از پایان امتحانات، فرصت خوبی برای تفریح و سفر بود. یکی از بچه‌های پرسروصدای کلاس که اتفاقاً قرار بود در کوپه ما باشد، از سفر جا ماند. حسابی دلمان برایش سوخت؛ اما در ایستگاه قم که قطار ایستاد، سروکله‌اش پیدا شد. بالاخره خودش را رساند.

روز دوم که از خواب بیدار شدیم، سرو صدا و بوهای خوشی از آشپزخانه می‌آمد. آشپز قول داده بود برایمان بریانی درست کند. طبق برنامه سفر، اتوبوس‌ها ساعت ده آمدند و به طرف کوه صفه به راه افتادیم. صفه، پارکی کوهستانی است که بخش‌هایی از آن شکل پارک جنگلی دارد. وقتی به پارک رسیدیم، از اتوبوس‌ها پیاده شدیم و راه‌پیمایی آغاز شد. یکی از معلم‌هایمان که اطلاعات خوبی درباره این مکان داشت، گفت: «شاه‌دژ» از نقاط مشهور کوه صفه است که به «قلعه دیو» هم معروف است و هسته مرکزی پارک کوهستانی صفه است. دو ساعتی گذشت و بالاخره راه‌پیمایی تمام شد و بساط ناهار به راه افتاد اما دریغ و صد دریغ که ظرف‌های غذا جا مانده بود! ما که دلمان را برای خوردن بریانی صابون زده بودیم، آن روز را با نان تازه و آب معدنی سر کردیم و کلی خندیدیم؛ جای همه خالی.

روز سوم، برای بازدید مسجد امام رفتیم. یکی از ویژگی‌های این مسجد، گنبد آن است. این گنبد طوری ساخته شده است که اگر زیر آن بایستیم و صحبت کنیم، صدا انعکاس می‌یابد. از صحبت‌های راهنما فهمیدیم که در گذشته به دلیل نبود دستگاه‌های صوتی، سخنرانان از این جایگاه، سخن خود را ستر بیان می‌کردند. بچه‌ها از تعجب دهانشان باز مانده بود. یکی از بچه‌ها به شوخی گفت: «معلوم می‌شود سازندگان و معماران این گنبد به بخش پژواک خیلی علاقه داشته‌اند و اگر الآن زنده بودند، در فیزیک و ریاضی نمره عالی می‌گرفتند.» آن سفر بسیار شیرین بود و برگی به یادماندن از دفتر خاطراتم شد.



## فَعَالِیْت (۵)

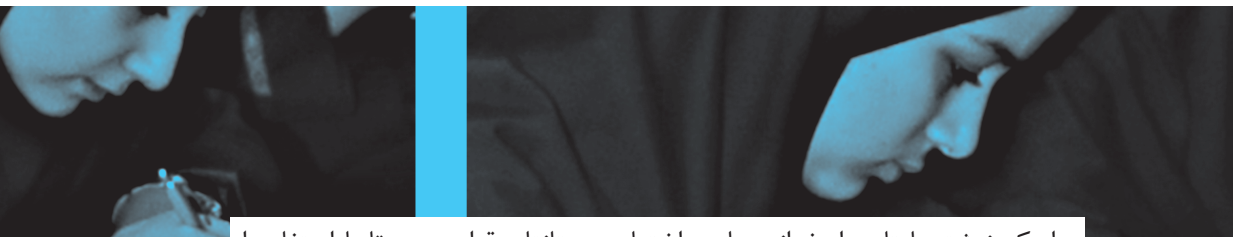
پیش‌نویس را بخوانید و از نظر ساخت جمله و واژه‌ها، آن را اصلاح کنید و در صورت لزوم گسترش دهید.

### مرحله ششم: نوشتن نهایی

در این مرحله، با توجه به اصلاحات و تغییرات ایجاد شده در مراحل پیش، متن کامل شده را ویرایش و پاک‌نویس می‌کنیم.

## فَعَالِیْت (۶)

متن سفرنامه خود را پاک‌نویس کنید.



اینک نوشته‌هایتان را بخوانید یا در اختیار دوستانتان قرار دهید تا با استفاده از معیارهای جدول زیر آن را ارزیابی کنند.

ردیف	سنجه‌های ارزیابی	نمره
۱	ذکر مشخصات سفر ( زمان، مکان و...)	۵
۲	دقت در ثبت دیده‌ها، شنیده‌ها و رویدادها	۵
۳	دربرداشتن نکاتی مهم، جذاب، جالب، عجیب و...	۲
۴	انسجام و رعایت ترتیب زمانی	۴
۵	شیوه خواندن	۲
۶	رعایت املا و نکات نگارشی	۲
جمع		۲۰

# کارگاهِ نوشتن

| تمرین (۱) | متن زیر را بخوانید و جدول را کامل کنید.

«... شهر مصر بر کنار نیل نهاده است به درازی. و بسیاری کوشک‌ها و مناظرها چنان است که اگر خواهند، آب به ریسمان از نیل بردارند، اما آب شهر همه سقّیان آورند از نیل، بعضی به شتر و بعضی به دوش. و سبوها دیدم از برنج دمشقی که هر یک سی من آب گرفتی و چنان بود که پنداشتی زرّین است. یکی مرا حکایت کرد که زنی است که پنج هزار از آن سبو دارد که به مزد می‌دهد، هر سبو، ماهی به یک درم و چون بازسپارند، باید سبو درست بازسپارند...»

◆ سفرنامه، ناصر خسرو

	مکان
	موضوع کلی و لحظات خاص
	نکات جذاب یا عجیب



| تمرین (۲) | موضوعی انتخاب کنید و با رعایت مراحل نوشتن، سفرنامه‌ای بنویسید.



A series of horizontal dotted lines for writing.

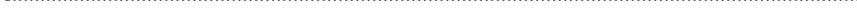




# شعر گردانی

شعر زیر را بخوانید و دریافت خود را از آن بنویسید.

ز کوی یار می آید نسیم باد نوروزی از این بادار مدد خواهی، چراغ دل برافروزی **حافظ**





L S



# خلاصه نویسی



# کاهش محتوا:

## خلاصه نویسی

«با اطلاعی که از احوال و افکار یعقوب پسر لیث داریم، می‌دانیم که او به قصد ایجاد یک دولت مستقل ایرانی و برانداختن یا ضعیف کردن حکومت بغداد شروع به فعالیت کرد. از شعری که او برای معتمد خلیفه فرستاده بود، به صراحت برمی‌آید که می‌خواست در سایهٔ درفش کاویان بر همهٔ امت‌ها سیادت جوید و بر سریر ملوک عجم برآید و رسوم کهن را تجدید کند. به همین سبب و نیز از آن روی که با زبان عربی آشنایی نداشت، زبان عربی در دستگاه امارت و حکومت او به کار نمی‌رفت. به شعر و ادب عربی توجهی نمی‌کرد و شاعران تازی گوی را نمی‌نواخت بلکه دوست داشت تا زبانی را که خود می‌فهمید و بدان سخن می‌گفت، زبان ادبی کند و شعر شاعران را بدان زبان بشنود و همین علاقهٔ اوست که باعث شد تا زبان دری به عنوان زبان رسمی و ادبی در دربار او تلقی گردد و حتی به روایتی، بر اثر همین امر است که سرودن شعر به زبان دری معمول گشت.»

◆ تاریخ ادبیات در ایران، صفا

نمونه صفحه قبل، متنی درباره «یعقوب لیث صفاری» است و نویسنده آن را به صورت مشروح نوشته است. اگر بخواهیم آن را به عنوان قسمتی از یک درس یا مطلبی در یک کتاب چندین صفحه‌ای بخوانیم و در کنار مطالب دیگر به ذهن بسپاریم، کاری دشوار در پیش داریم. بهترین راه برای به یاد سپردن مطالب طولانی، خلاصه‌برداری و خلاصه‌نویسی است. خلاصه‌نویسی شیوه‌هایی دارد:

### الف) خلاصه‌نویسی وابسته به متن (با استفاده از زبان نویسنده)

در این نوع از خلاصه‌نویسی، ابتدا متن مورد نظر را به طور کامل می‌خوانیم و بر موضوع آن تسلط می‌یابیم؛ سپس زیر قسمت‌های مهم آن خط می‌کشیم، همان‌گونه که در متن صفحه قبل این کار را انجام داده‌ایم؛ به این ترتیب نکته‌های زائد، غیرمهم، تکراری و جزئیات را - به شرط آنکه حذف آنها به رسایی کل مطلب لطمه نزند - حذف می‌کنیم. آنگاه با ایجاد ارتباط میان قسمت‌های مشخص شده و یکسان کردن زمان فعل‌ها، متن خلاصه‌شده‌ای خواهیم داشت. این گونه خلاصه‌نویسی، در موضوع، محتوا و واژه‌ها دقیقاً وابسته به متن اصلی است.

مقبره یعقوب لیث صفاری



به خلاصه‌ متن ابتدای درس توجه کنید:

«یعقوب لیث به قصد ایجاد یک دولت مستقل ایرانی و برانداختن حکومت بغداد، شروع به فعالیت کرد. [او] می‌خواست بر همه امت‌ها سروری کند و رسوم کهن را تجدید کند. به همین سبب، به شعر و ادب عربی توجهی نمی‌کرد و شاعران تازی‌گوی را نمی‌نواخت بلکه دوست داشت زبان خود [را] زبان ادبی کند و همین علاقه او باعث شد تا دری به عنوان زبان رسمی و ادبی در دربار او تلقی گردد و سرودن شعر به زبان دری معمول [شود].»

برای خلاصه‌نویسی به شیوه نخست، مراحل زیر را به ترتیب انجام داده‌ایم:

■ چند بار خواندن متن و تسلط بر مطالب آن

■ برجسته کردن قسمت‌های مهم متن

■ ایجاد ارتباط میان قسمت‌های مشخص شده؛ مانند افزودن «را» در سطر

چهارم

■ یکسان کردن زمان فعل‌ها؛ مانند «شود» که به جای «گشت» در جمله

آخر آمده است.

■ تغییر دادن بعضی واژه‌ها و آوردن مترادف‌های امروزی برای آنها؛ مانند

«یعقوب پسر لیث»: «یعقوب لیث»

■ بازخوانی متن و رعایت علائم نگارشی برای اطمینان از ثبات محتوای

متن

■ نوشتن دقیق مشخصات متن خلاصه شده

با خواندن خلاصه هر متن باید بتوانیم تمام یا مهم‌ترین مطالب یک متن را در مدتی کوتاه به یاد بیاوریم. بنابراین خلاصه‌نویسی باید کوتاه، مفید و گزیده باشد؛ یعنی با خلاصه کردن باید تمامی مطالعات خود را در حجمی اندک حفظ کنیم و در هنگام بازخوانی خلاصه خود، بر مطالب مهم‌تر تمرکز داشته باشیم.

متن زیر را بخوانید و با حفظ زبان متن اصلی، آن را خلاصه کنید.

اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده ناچیز مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل می‌گذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم. سخن اول دربارهٔ گذشته است.

عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربهٔ خود یا گوش سپردن به تجربهٔ دیگران نمی‌توان دانست. بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید. دهه‌های آینده، دهه‌های شماسست و شما باید که باید کار آزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی - ارواحنا فداه - است، نزدیک کنید. برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی دربارهٔ گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همهٔ ابزارها برای آن بهره می‌گیرند. رهنمان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمی‌توان شنید.

نکتهٔ مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی می‌کنند که از نظر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیت‌ها با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند.

مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر چهل سال که بخش مهمی از آن نتیجه موج جمعیتی ایجادشده در دهه شصت است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. سی‌وشش میلیون نفر در سنین میانه پانزده و چهل سالگی، نزدیک به چهارده میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه انقلابی رشد کرده و آماده تلاش جهادی برای کشورند و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد.



دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست‌ساله فراهم کند و با وجود تهی‌دستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم.

◆ بخش‌هایی از بیانیه «گام دوم انقلاب»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران  
(به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی)



## ب) خلاصه‌نویسی آزاد (به زبان خود)

گاه به جای روش نخست می‌توانیم مطالب را بندبه‌بند بخوانیم و سپس موضوع و محتوای متن اصلی را با زبان، واژه‌ها و با توانایی نوشتاری خودمان خلاصه کنیم. هدف ما از این شیوه، ساده کردن متن برای یادگیری بیشتر است.

در سال‌های پیش خواندیم که جمله اول یا دوم هر بند، «جمله موضوع» است و بقیه جمله‌ها در تکمیل «جملات موضوع» آمده‌اند که به آنها «جمله‌های تکمیل‌کننده» می‌گویند. با توجه به این نکته، پس از خوانش اولیه متن و تسلط بر آن، می‌توانیم در متون علمی، جمله اول یا جمله اصلی بند را یادداشت کنیم، سپس از خود پرسیم: این بند، قصد گفتن چه مطلبی را دارد؟ آنگاه پاسخی را که متن درباره آن داده است، مطابق با نظر کتاب و به طور خلاصه، ولی از زبان و فکر خودمان، در یک یا چند جمله کوتاه بنویسیم. به این ترتیب، مراحل «خلاصه کردن به زبان خود» عبارت است از:

■ خواندن متن و تسلط یافتن بر مطالب آن

■ درک مفهوم و مطالب یک بند

■ نوشتن جمله اصلی هر بند

■ پرسیدن این مطلب که: «این بند قصد آموزش یا گفتن چه مطلبی را دارد؟»

■ پاسخ کوتاه به سؤال بالا به زبان خودمان

به نمونه زیر توجه کنید:

«دین مبین اسلام اهمیت فوق‌العاده‌ای برای نجات جان انسان‌ها قائل است. چنان که در قرآن کریم، سوره مبارکه مائده، آیه ۳۲ به تصریح اشاره شده است که هرگاه کسی باعث بقای نفسی شود، مانند آن است که باعث نجات جان تمام انسان‌ها شده است. مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر آیه مذکور می‌فرماید: «هر کس یکی را زنده نگه دارد، چنان است که همه مردم را زنده نگه داشته است.» مراجع بزرگ دینی درباره پیوند اعضا فتوا داده‌اند. حضرت امام خمینی ره در پاسخ به استفتای جواز پیوند اعضا از فردی که دچار مرگ مغزی شده است و حیات وی غیرقابل برگشت است، فرموده‌اند: «باسمه تعالی. بر فرض مذکور چنانچه حیات انسان دیگری متوقف بر این باشد، با اجازه صاحب قلب یا کبد و امثال آن جایز است.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای - مد ظله العالی - می‌فرماید: «اگر استفاده از اعضای بدن بیماران مذکور برای معالجه بیماران دیگر، باعث



تسریع در مرگ و قطع حیات آنان شود، جایز نیست؛ در غیر این صورت اگر عمل مزبور با اذن قبلی وی صورت بگیرد و یا نجات نفس محترمی متوقف بر آن عضو موردنیاز باشد، اشکال ندارد.» حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی—مدظله‌العالی—می‌فرمایند: در صورت نیاز و ضرورت با رضایت بستگان و با رعایت شرایط اشکالی ندارد.»

♦ [www.ehda.center](http://www.ehda.center) سایت اهدای عضو

\*\*\*

### خلاصه

«دین اسلام به نجات جان انسان‌ها اهمیت می‌دهد. آیه ۳۲ سوره مائده، نجات جان یک انسان را مساوی با نجات جان همه انسان‌ها دانسته است. امام خمینی و آیات عظام (آیت‌الله خامنه‌ای و مکارم شیرازی)، درباره پیوند اعضا از فردی که دچار مرگ مغزی شده است، فتوا داده‌اند که اگر زنده ماندن کسی وابسته به اهدای عضو باشد و خانواده فردی که دچار مرگ مغزی شده رضایت بدهند، می‌توان اعضای بدن او را به بیمار پیوند زد.»



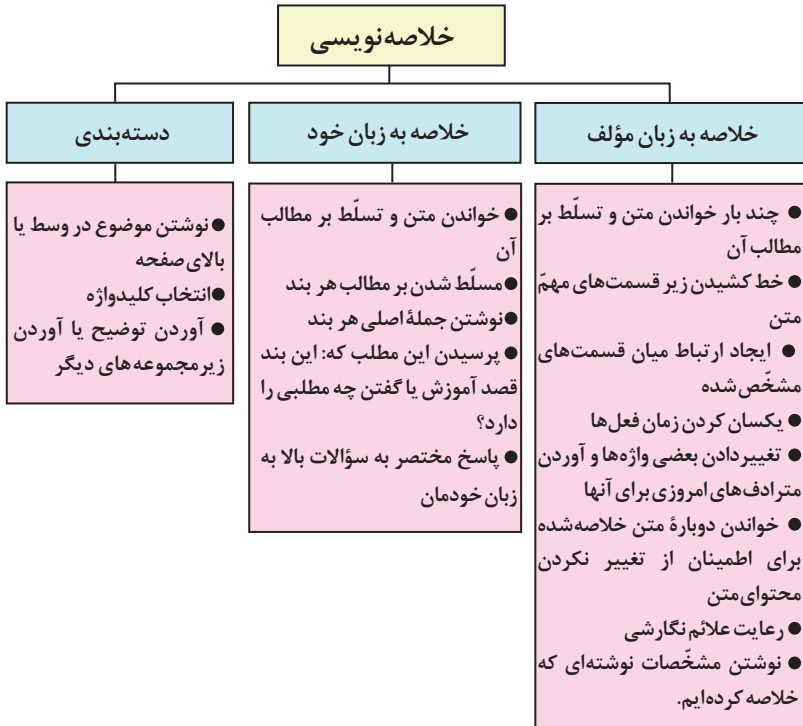


## دسته‌بندی مطالب و یادداشت‌برداری

گاهی در تکمیل خلاصه‌نویسی از روش‌هایی استفاده می‌شود که در دسته‌بندی مطالب و یادداشت‌برداری معمول است. برخی از این روش‌ها عبارت‌اند از:

### الف) نمودار

گاهی برای دسته‌بندی مطالب و به یاد سپردن آنها به شکل خلاصه، از روش رسم نمودار استفاده می‌شود. نمودارها براساس متن‌ها و مطالب گوناگون، به شکل‌های مختلفی طراحی می‌شوند. برای نمونه می‌توان درس خلاصه‌نویسی را در نموداری با شکل زیر ارائه داد:



## ب) جدول

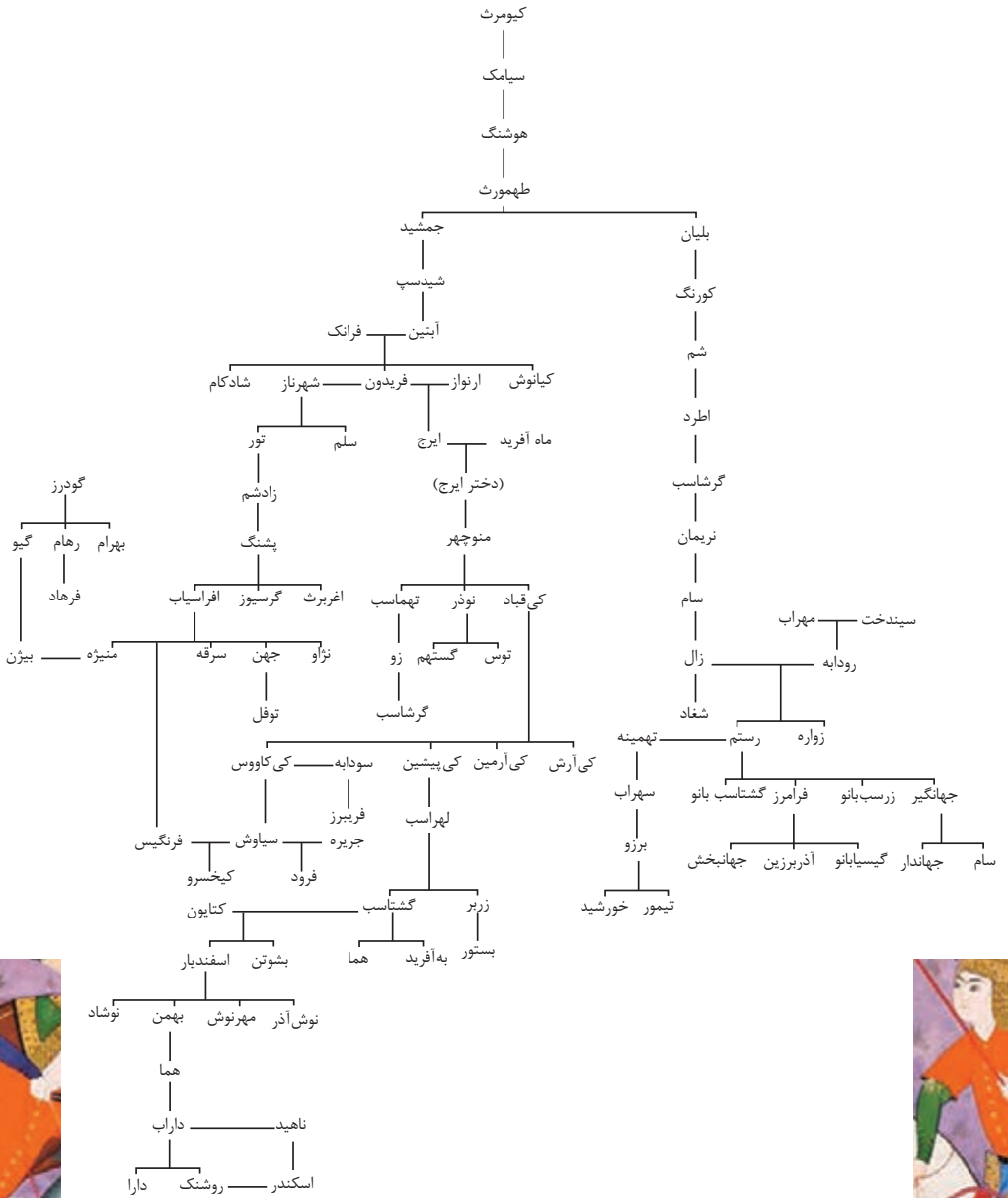
گاه می‌توان از جدول‌های چندستونی برای خلاصه‌برداری استفاده کرد. هر ستون را با رنگی متفاوت با ستون قبل، یادداشت کنید؛ مثلاً برای نوشتن خلاصه تاریخ ادبیات درس‌ها، جدولی مانند جدول زیر تهیه کنید:

نام شاعر	لقب (تخلص)	قرن	آثار	توضیحات
علی اسفندیاری	نیما یوشیج	معاصر	افسانه، خانواده یک سرباز، آب در خوابگاه مورچگان، قصه رنگ پریده و...	پدر شعر نو، اولین شعر نو افسانه در سال ۱۳۰۱
فریدالدین نیشابوری	عطار	قرن ششم	منطق الطیر، تذکرة الاولیاء و...	کشته شده به دست مغولان
مصلح بن عبدالله	سعدی	قرن هفتم	کلیات سعدی (بوستان، گلستان، غزلیات، قصاید و...)	غزل عاشقانه، اشعار پندآموز

## پ) نقشه مفهومی (نمودار درختی)

در خلاصه‌نویسی مطالبی که ترتیب زمانی یا روابط علی و معلولی دارند یا به زیرشاخه‌های گوناگون تقسیم‌بندی می‌شوند، می‌توان از روش «نقشه مفهومی» استفاده کرد. در این روش، موضوع اصلی در وسط نوشته می‌شود و کلیدواژه‌هایی در زیرمجموعه آن قرار می‌گیرند و هر کلیدواژه، شامل زیرمجموعه‌هایی دیگر می‌شود. در شکل صفحه بعد برای اینکه ترتیب پادشاهان و پهلوانان در شاهنامه به یاد بماند، از این شیوه استفاده شده است:





### فَعَالِيَت (۳)

یکی از درس‌های مندرج در کتاب‌های درسی خود را خلاصه کنید؛ سپس متن خلاصه شده را با بهره‌گیری از روش‌های دسته‌بندی (نمودار، جدول، نقشه مفهومی) نشان دهید.





اینک نوشته‌هایتان را بخوانید یا در اختیار دوستانتان قرار دهید تا با استفاده از معیارهای جدول زیر آن را ارزیابی کنند.

ردیف	سنجه‌های ارزیابی	نمره
۱	تولید متن منسجم: الف) خلاصه کردن متن به زبان مؤلف ب) خلاصه کردن متن به زبان خود	۱۲
۲	کاربرد روش‌های دسته‌بندی مطالب (نمودار، جدول، نقشه مفهومی)	
۳	حفظ محتوا و مفهوم اصلی متن	۳
۴	شیوه خواندن	۲
۵	رعایت املا و نکات نگارشی	۳
جمع		۲۰

# کارگاهِ نوشتن

| تمرین (۱) | متن زیر را بخوانید و مشخص کنید به چه شیوه‌ای خلاصه شده است.

«این جزیره از شمال به جزیرهٔ تنب کوچک، از باختر به جزیرهٔ سیری و از جنوب و خاور به امارات متّحدهٔ عربی محدود است. شهر ابوموسی با مساحتی حدود ۲/۲ کیلومتر مربع در جنوب خاوری بندر لنگه و در خاور جزیره سیری، بین ۲۶ درجه و ۱ دقیقه عرض شمالی و ۵۴ درجه و ۵۹ دقیقه طول خاوری قرار دارد. این جزیره تقریباً لوزی شکل است. بلندترین نقطهٔ آن، قلّهٔ کوه است که ۱۱۰ متر از سطح دریا بلندتر است. این جزیره دارای آب شیرین است و آب آشامیدنی مردم از آب چاه و باران تأمین می‌شود یا اینکه با لنج و کشتی از بندر لنگه یا بندر عباس به این جزیره حمل می‌شود.

آب و هوای این جزیره گرم و مرطوب است و چون به خط استوا نزدیک است، هوای آن از هوای سایر جزایر ایرانی خلیج فارس گرم‌تر است. فصل بارندگی آن بیشتر در اواخر زمستان و اوایل بهار بوده، بارش به صورت رگبار لحظه‌ای و موقت است.

این جزیره به نام‌های «بوموسی، بن موسی، بوموف، بابا موسی، گپ سزو و بوم سوز» نامیده شده است. بوموسی از دو پاره «بو» و «موسی» تشکیل شده که بو به معنی رایحه و کوتاه شدهٔ بود، باشد، باشم و بوم است، به معنی جا و مقام، منزل و مأوا و سرزمین. موسی هم نام شخص است. مردم بندر لنگه تا ۸۰ سال پیش آن را گپ سزو (سوزو: سبز) یعنی «سبزه‌زار بزرگ» می‌خوانده‌اند.

از نظر تاریخی، خلیج فارس و جزایر آن از جمله بوموسی، در روزگار عیلامیان، به‌ویژه در زمان پادشاهی شیلهک ابن شوشیناک (۱۱۶۵-۱۱۵۱ ق.م)، در دست این سلسله بوده است. دولت ماد در روزگار پادشاهی هوخشتره، به بزرگی و توانایی رسید و حدود آن از جنوب به کرانه‌های جنوبی خلیج فارس کشیده شد. جزیرهٔ بوموسی با دیگر جزایر خلیج فارس در این دوره، ابتدا جزء یکی از ایالت‌های جنوب باختری و سپس جزء ساتراپ (استان) چهاردهم دولت ماد به نام درنگیانه و بخشی از کرمان بود.»

◆ فرهنگ مردم هرمزگان، سعیدی



## خلاصه متن

«بوموسی از شمال با تنب کوچک، از غرب با سیری و از جنوب غرب کشور با امارات همسایه است. ابوموسی با شکل لوزی ۲/۲ کیلومتر، در جنوب غربی بندر لنگه قرار دارد و آب آشامیدنی آن از باران و چاه یا از بندر عباس یا بندر لنگه تأمین می‌شود و آب و هوای آن گرم و مرطوب است.

ابوموسی نام‌های مختلفی داشته است مانند: «بن موسی، بوموف، بابا موسی و گپ سزو و بوم سوز»، که به معانی «بابا موسی، منزل موسی یا سبزه‌زار بزرگ» است.

این جزیره از هزاره دوم قبل از میلاد، یعنی از دوران عیلامی‌ها، مادها و هخامنشیان تا به امروز جزء سرزمین ایران بوده است.»





# حکایت نگاری

حکایت زیر را بخوانید و آن را به زبان ساده بازنویسی کنید.  
یکی را شنیدم از پیران مرّی که مریدی را همی گفت: ای پسر، چندان که  
تعلق خاطر آدمیزاد به روزی است اگر به روزی ده بودی، به مقام از ملائکه  
درگذشتی.

گلستان سعدی

## نیایش

خدایا،  
کاری بکن که دل قرار بگیرد.  
ای مهربان بی منت،  
ما را چنان نگران خودت کن که هیچ جاذبه‌ای نگاهمان را از تو نگیرد.  
خدایا،  
خواسته‌هایمان را دگرگون کن. ما را مالک بزرگ‌ترین ثروت زمین، یعنی همه  
نخواستن‌ها قرار ده.  
ای خدای یوسف،  
برای اینکه دل به زیخای وسوسه نسپاریم، به جلوه‌ای از جمال تو محتاجیم.  
ای مخاطب شکوه‌های پنهان،  
تو اگر نباشی به که می توان گفت حرف‌هایی را که به هیچ کس نمی توان گفت؟  
خدایا،  
به ما چنان فراستی عطا کن که عشق را از هوس بازشناسیم و نور رحمان را از نار  
شیطان تمیز دهیم و میان حقیقت و باطل حقیقت اندود، فرق بگذاریم.  
ای پناه اشک‌های پنهان،  
خوشا به حال آنان که اشک را نه بر گونه‌های خویش که بر دامان دست‌های تو  
می بارند. خوشا به حال آنان که در گریه‌های شبانه، سر بر شانه تو دارند. ما را آغوش  
اجابتی این چنین عنایت کن.  
ای خدای قنوت‌های تب دار،  
تو چه نزدیکی آن زمان که دست‌ها به سوی تو بالا می‌آید! پای ما را از زمین  
بکن.  
ای خداوند سامع الاصوات،  
کاش می‌شد آوای اجابت تو را در طنین دعا‌هایمان بشنویم!

سید مهدی شجاعی



# کتابنامه

- آل احمد، جلال. (۱۳۸۹). سه تار. قم: ژکان.
- امیدوار، عبدالله؛ امیدوار، عیسی. (۱۳۹۰). سفرنامه برادران امیدوار. (چاپ ششم). نشر جمهوری.
- بایرامی، محمدرضا. (۱۳۷۱). کوه مرا صدا زد. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- تولستوی، لی یف نیکالایویچ. (۱۸۹۸). عید پاک. ترجمه محسن سلیمانی (۱۳۹۳). تهران: نشر سوره مهر.
- جامی، عبدالرحمن. (۸۹۸-۸۱۷ ق.). بهارستان. بازنویسی خودآرام ایرانی (۱۳۸۲). پیک فرهنگ.
- جعفری مطلق، محسن. (۱۳۸۹). شهید آوینی. (چاپ هفتم). انتشارات مدرسه برهان.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۷۴). الهی نامه. بوستان کتاب.
- دانشور، سیمین. (۱۳۹۵). سووشون. (چاپ بیست و یکم). نشر خوارزمی.
- سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین. (۶۵۵ ق.). بوستان سعدی. تصحیح عزیزالله علیزاده (۱۳۸۸). تهران: نشر فردوس.
- سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین. (۶۵۶ ق.). گلستان سعدی. تصحیح غلامحسین یوسفی (۱۳۹۴). تهران: نشر خوارزمی.
- شجاعی، مهدی. (۱۳۹۱). مناجات. (چاپ سیزدهم). نشر نیستان.
- سعیدی، سهراب. (۱۳۹۲). فرهنگ مردم هرمزگان. دارالتفسیر.

- سيف، علی اکبر. (۱۳۹۳). **روانشناسی پرورشی نوین**. نشر دوران.
- شریعتی مزینانی، علی. (۱۳۹۲). **کویر**. چاپخش، مؤسسه بنیاد فرهنگی.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۹). **تاریخ ادبیات در ایران**، جلد ۱. تهران: فردوس.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۹۶). **تفسیرالمیزان**، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عربلو، احمد. (۱۳۸۶). **شهید همت**. (چاپ پنجم). انتشارات مدرسه برهان.
- قبادیانی، ناصر خسرو. (۱۳۶۹). **سفرنامه ناصر خسرو**. (سوم). به کوشش محمد دبیرسیاقی، انتشارات زوار.
- واتانابه، ماساکو. (۲۰۰۴). **پرورش هنر استدلال (الگوهای تبیین اندیشه در فرهنگ آموزش ژاپن و آمریکا)**. ترجمه محمد رضا سرکارآرانی، علیرضایی و زینب صدوقی. (۱۳۹۱). منادی تربیت.
- یوسف زاده، حبیب. (۱۳۸۶). **شهید باکری**. (چاپ پنجم). انتشارات مدرسه برهان.



معلّمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب کتاب های درسی از طریق سامانه «نظرسنجی از محتوای کتاب درسی» به نشانی «[nazar.roshd.ir](http://nazar.roshd.ir)» یا نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۴۸۷۴ - ۱۵۸۷۵ ارسال کنند.



سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

